



Handwritten text in Persian/Arabic script, likely a library or ownership stamp, located in the bottom right corner of the book cover. The text is written in blue ink on a light-colored, rectangular label. The label is partially torn and has some white residue on it.

با
شد
۳۶ - ۳۷



فهرست فصول این رساله سوالی است

فصل ۱ در بیان نشان عیویان ۲

فصل ۲ در بیان آنچه لازمت بر عیویان که نبی است

فصل ۳ در بیان معنی اسرار دین ۱۸

فصل ۴ در بیان باقی معنی اسرار دین ۳۳

فصل ۵ در بیان عملیات و بیان ده حکم الهی ۵۳

فصل ۶ در بیان احکام کلیسیا ۶۶

صل

فصل ۷ در بیان مناجاتیات ۸۶

فصل ۸ در بیان دعائی که از اسلام ملائمتی میگوید ۱۰۵

فصل ۹ در بیان توجیه سجایا مریم و غرت صورها ۱۲۲

فصل ۱۰ در بیان هفت اهرام مقدس متعارف در کلیسای سنی ۱۲۹

فصل ۱۱ در بیان فضایل نیکوییها ۱۵۹

فصل ۱۲ در بیان عطایای روح القدس و سعادتیه ۱۶۰

فصل ۱۳ در بیان کارهای رحمت ۱۸۸

فصل ۱۴ در بیان کنایه های کپره و معالجه آنها ۲۰۲

فصل ۱۵ در بیان چهار خیر و اسپین ۲۱۸



فهرست علاوه شده

- | | |
|-----|---------------------|
| ۲۲۶ | در بیان عمل اخفاد |
| ۲۲۷ | در بیان عمل امیه |
| ۲۲۸ | در بیان عمل محبت |
| ۲۲۹ | در بیان عمل شپامانی |
| ۲۳۰ | در بیان عمل توبه |

این مختصر رساله است در سوال و جواب که شناخته شده است
از عقاید عملیات دین عیسوی و مبتنی بر این رساله فصل

فصل اول

در بیان نشان عیسویان

س عیسوی مستبد
ج آری بغایت خدا

س چرا میگویند بغایت خدا
ج زیرا که محض لطف و کرم خدا بود که پیغمبر
رسیده که عیسوی شدم بی آنکه خود لیاقت داشته باشم
س عیسوی چه معنی دارد
ج عیسوی نیست که اعتقاد میکنند و قرآن
میاورد دین حضرت عیسی را
س مگر اعتقاد به لایسنتیت اگر چه
بر زبان قسار نکرده باشد
ج نه بلکه لایسنت بر هر عیسوی که دین

حضرت عیسیٰ ادر دل استوار داشته باشد
و نیز آماده بود برای اقرار کردن آن بزرگوار
هرگاه که ضرورتی افتد و هرگز انکار آن نیارد
هر چند که خطر جان در پیش آید
س نشان عیسویان که است
ج صلیب مسموم

س چرا
ج زیرا که در صلیب حضرت عیسیٰ را ازاد کرد
س پس معلومست که ما اسیر بودیم

بلی

ج بلی
س اسیر چه کس
ج اسیر عیسویان خود و شیطان
س صلیب را چه طور بعمل میآورند
ج به دو طریق یکی برای نشان کشیدن
و دیگری برای برکت کردن
س چه چیز است نشان کشیدن
ج رسمی خاص عیسویانست که بدان اشارت
صلیب بدست راست پهن و دراز کرده اند

برخوشتن میکشند و بیا بکشت دست رت

همان نشان صلیب را سه نوبت میکشند

یکی بر پیشانی و دیگری بر دهان و دیگری بر سینه

و در آن حالت دعا کنند بخداوند صاحب خود

س بنمایید که چه طور دعا کنند

ج بنیقسم بگوید که بרכת صلیب مقدس

خلاص کن ما را ای صاحب از دشمنان

س چرا اشرت صلیب بر پیشانی میکشند

ج تا خدا ما را خلاصی دهد از خیالات فانی

چرا اشرت

س چرا اشرت از ابرو برهن میکشند

ج تا خدا تعالی ما را از هر مانی بخشد از کفتن و بختن

س چرا بر سینه

ج تا باری سبحانه ما را خلاصی دهد از کرد و کار

ناشیسته که از دل ما بیرون میآید

س پس مراد از دشمنان کنا بانیست

ج آری که اصل دشمنان جان کنا بانیست

خواه از کتاب ان بفرماید یا بقول بفرماید

و از خدا در خواست می نمایم که ما را از این همه

خطاها را می بخشد بوسیله صلیب مقدس

و برکت حضرت عیسی صاحب ما

س برکت کردن چه چیز است

ج کشیدن اشارت صلیب به دست

راست از پیشانی تا بسینه و از دوش

چپ تا دوش راست

س بنمائی که چه طوری کند

ج بسم اب و ابن و روح القدس آمین

س چرا چنین اشارت صلیب بر خود می کشند

برای

ج برای اقرار کردن بان سر بلند که خدا
و پدر و روح پاکست سه قائم و یک خدای واحد

س دیگر برای چه

ج جهت اقرار کردن که در صلیب

مقدس ازاد شدیم

س که ام وقت این نشانه را بکار بریم

ج هر وقت که شروع کنیم بکار نیکی ما خود را

در خطری و شکنجه دیده باشیم خصوصاً وقت

برخواستن از بزم خواب یا بر آمدن از خانه و در آن



در عبادتخانه و وقت خوردن و خوابیدن

س چندین بار برای چه

ج تا همه وقت و همه جا ایزد تعالی

ما را از پانی بخش از دشمنان ما

س برای چه در آغاز هر کاری

ج تا دشمنان که جبرایم و شیائین

دخل نمکنند در هیچیک از امور ما بلکه همه

موافق رضای ایزدی بوجود آید

فصل دوم

در بیان

در بیان آنچه لازمت بر عیویان که بدینند

س بر عیویان چه چیز واجبست

که بدینند چون ببلایست برسنند

ج سه چیز

س آن که است

ج اعتقادات و عملیات و مناجات

س اعتقادات را چه طور بدانیم

ج بدینستن ایمان میدارم را و نفهم

اجزای اسلام را بدین



۱۲
س عملیات را بچه نوع معلوم داریم
ج بدستن امروزی خدا و شریعت
عیسویان تا از ابجا داریم و بدستن جبریم
کپره تا از آنها محترز باشیم

س مناجات را چه سان بفهمیم
ج بدستن ان ادعیه که ابتدای آنها
ای پدر ماست و سلام بر تو ای مریم
س گفتید بدستن ایمان میدارم
اکنون بگوئید که ایمان میدارم چه چیز است

احمد

۱۳
ج اقرار است جبرضا را از اسرار دین متقین
س ایمان میدارم را که بنا نهاد
ج رسولان حضرت عیسی صاحب
س از برای چه

ج جهت خبر دادن ما را از دین خود زیرا که
در آن محضر است هر چه لازم است که بشخص می آید
س پس ایمان میدارم را تفسیر بگوئید
ج ایمان میدارم بخدای واحد پدر
قادر مطلق افریدگار آسمان و زمین و بخیر است

عیسی مسیح پسر یحانه او و صاحب ناله پید
شده است بقدرت روح القدس و تولد
یافت از مریم کبر و حشمت کشید و حکم پطرس
مصلوب شد و مرد و مدفون شد و فرود آمد
بجایهای پست و بر در نسیم از میان مردگان
برخواست و بالا رفت بر آسمانها و بنشیند
بدست راست خدای قادر مطلق و از آنجا
خواهد آمد بدوری کردن زندگان و مردگان
و نیز ایمان میدارم بروح القدس و کلیسای

مقدس

مقدس احد کاتلیکی در سولی و شرکت پان
و امرزش جبراییم و شمر مردگان
و حیات جاوید امین
س در اینکه خوانده چند اسرار دین است
ج چهارده که آنها را چهارده اسرار دین میگویند
س آنها را بگویند

ج اجزای عقاید ایمان چهارده است
از آنجمله بختش در خلعت بلا موت خدا تعالی
و هفت دیگر بنا بر موت حضرت عیسی و آن هفت

که با همت خدا داخلت نیست

اول اقرار آوردن بر آنکه خدا است ^{مطلق} و پدید آورنده

دویم ایمان آوردن بر آنکه خدا قادر مطلق است

سیم ایمان آوردن بر آنکه پسر است

چهارم ایمان آوردن بر آنکه روح پاکست

پنجم ایمان آوردن بر آنکه خالق است

ششم ایمان آوردن بر آنکه نجات دهنده است

هفتم ایمان آوردن بر آنکه بهشت دهنده است

و آن هفت دیگر که بنا بر سوت حضرت عیسی خلیست

اول

اول ایمان آوردن بر آنکه همان پسر بود

که بقدرت روح القدس در شکم جناب

مریم ادمیت گرفت

دویم ایمان آوردن بر آنکه از نسله شد

از مریم کبر و بکارت او زایل نشد

سیم ایمان آوردن بر آنکه از برای مصلحت

شده و مرد و مدفون شد

چهارم ایمان آوردن بر آنکه آن فرود آمد

بجایهای پست و بر او در اوج اولی نشین را

که همانجا مشغول آمدن مبارک او بودند
پنجم ایمان آوردن بکدام فریم زنده بخت
ششم ایمان آوردن بکدام بر آسمان بخت
و نیشینه بدست رست خدای قادر مطلق
هفتم ایمان آوردن بکدام در آخر دنیا ان
خواهد آمد جهت داوری کردن زندهگان
و مردگان از نیک و بد که کرده باشند

فصل سیم

در بیان معنی اسرارین

نکته

س شامیه نسیه پان این

اسراریند و باریک را چنانچه علما متبحر

ج جواب میتوانم داد آنچه از من پرسید

اما بیان کامل آنرا موقوف میداریم بر پادشاه

و علما عظام که تفسیر کرده اند قانون ایمانرا

س پس بیان کنیید ان قانون ایمانرا

لفظ بلفظ و سخت بگوید که چه معنی دارد ایمان

میدارم و چه خیرات

ج ایمان آوردن یقین داشتن است

چیز را که در نظر نیامده باشد از جهت اینکه
خدا تعالی در کلام خود چنین گفته است

س شما خدا را دیدید که آسمان و زمین را
آفریده باشد و حضرت عیسی را مشاهده کردید

ج نه

س اینچنین یقین میسازید

ج اری و یقینتر از آنکه چشم خود بینم

س چرا

ج زیرا که اینچنین نوشته شده است چنین گفته است

خدا

خدا ای که فرپ دهنده و فرپ خورنده است

س از کی میدانید که خدا اینچنین گفته است

ج از این که اینچنین نوشته است

در انجیل محمده حضرت عیسی

س میگویند ایمان میسازم بخدا

واحد مراد از خدای واحد چه چیز است

ج خدا خیریت روحانی مجرد و واجب الوجود

که در او جمع شده است همه کمالات

که بخیالات توان آورد و اهم بسیار چیزی که

۲۲
برون از خیال باشد و احد است یعنی شریک نند

س چه معنی دارد خدای پر

ج خدا پر خوانده میشود از جهت آنکه همه

مردم و اشیا را آفریده و برپا میدارد و آنها را

میراند هر چه ایشان لازم است با کمال

هر همچون پدر بفرزندانش خویش و نیز پدر

خوانده میشود زیرا که بحقیقت پدر طبیعی

دارد از آنها ذات خویش

س چه صورتی تواند بود که خدا پسر حقیقی

است

داشت باشد چو که نه جسم دارد و نه زن

ج چه طور خدا میبیند و سخن میگوید و میشود

چو که نه جسم و نه دمان و نه کوش دارد

س نمیگویم که میبیند و سخن میگوید

و میشود و چشم و دمان و کوشی مثل ملک و پادشاه

چیز را میسکند بعقل و دانش خویش

ج بهمان طریقی که میگویم خدا پسر

دارد و نمیگویم که آن را دارد از زن و یا از تنی

مثل آنکه اولی از اینها منزه است

۲۳
پنجین است و بس که بلند است و لطیف
و نفهمیدن خود بجمال چون چقدر است
یک مثل تصدیق پیدا میکند در خود مثل
خود بی کم و بیش که انرا پس میگویم و بخوابتن
خویش بجمال می پدید میکند در خود که انرا
روح القدس میگویم و ان تصدیق عقلی
که پیر است و ان میل که روح القدس است
از همان ذات خدا میباشند
س پس چرا میگویند که نه ذات

پروپیر

۲۴
پروپیر و روح القدس
ج حاشا که چنین گفته باشیم بلکه با وجود
اینکه اقرار میکنیم که خدا تعالی سه قنوم باقیم
مختلف است میگویم که یک خدای واحد
مطلق است چرا که در خدای بغیر یک ذات بیضا
نیست الفرض همان خداست که بحقیقت
پرو و بحقیقت پس و بحقیقت روح القدس
بی آنکه از وحدت ذات مبارک برآمده باشد
و این خاصه خداست که چقدر است و در هیچ

مخلوق این خاصیت یافته میشود و بجهت
بلند میگوئیم که آن چون و بی چگونه است
س این چون تواند بود

ج بقدر امکان آنچه من تحقیق کرده ام
اینست که درباره اله تعالی چیزی نمی توانیم شنید
و اعتقاد خواهیم کرد که بلند تر از فهم و عقل باشد
بنابران در آغاز این اسرار دین که نقل
کرده ام هست سخن که گفته ام معنی ایمان
میدارم را تا بفهمانیم که در چیزی های الهی مدار ما

جسم

بر جسم و دلیل نیست مگر با اعتبار آنکه یقین داشته باشیم
آنچه در کلام خداست هر چند بلند آن را نسیم
س بیان نمودید که چه معنی دارد خدا
پس اکنون بگوئید چه معنی است قادر مطلقا
ج اینکه قدرت خدا آنقدر است که هر چه
میخواهد میتواند کرد و محتاج به علت یا مدد نیست
مثل تا چیزی را موجود کند بلکه از هیچ میتواند
پیدا کردن هر چه میخواهد
س چه معنی دارد افریدن کار آسمان و زمین

انیت که خدایتعالی که واجب الوجود است
و قدیم و قتی که خواست پیدا کرد از هیچ شخص حکم
خود آسمان و زمین را و هر چه در آنهاست از
روحانی و جسمانی و چیزی نیست بر چنده که
خورد و تر از سایر اشیا بود که افریده او نباشد
س چه معنی دارد عیسی مسیح و کجا و چنان
ج اینکه عیسی مسیح که صاحب شده است و از
مبارک خدمت بنا بر این او شهادت حقیقی خداست
س چونت که در کتاب الهی آمده کان

نیک

نیک و پاک پسر خدا خوانده میشوند
ج اری اما آنها که پسر خوانده شده اند
مخلص لطف و کرم الهی میباشند که این خطا را
بافشاند و پسران حقیقی و طبیعی نمیشوند
مگر پسران مجازی
س چه معنی دارد که این پسر خدا
عیسی مسیح خوانده میشود
ج عیسی نام خاص اوست و مسیح لقب او
س چه معنی دارد یسوع که عیسی میگویند

ج یسوع بمعنی نجات دهنده است و چون
پسر خدا آدم شده است برای سلامتی
ما و ربانی ما از جبراییم لهذا این نام یسوع را
گرفت و این خاصه خداست

س چه معنی دارد مسیح

ج مالیده شده

س از چه چیز مالیده شده است

ج از روغن رحمت الهی و از نفاس
و لطفهای او که ان آدمیت که پسر خدا بخود

گرفت

گرفت مملو شد از هر فضیلت و انعام خدا که
در مخلوقات توان یافت بنابراین ما این دو
لفظ عیسی مسیح ظاهر میشود که خدای حقیقی
و نجات دهنده ممکن است و نیز آدم حقیقت
که پاکترین است نسبت به کلی مردم

س چرا میگویند عیسی صاحب

ج چرا که از حیثیت اینکه خداست ما را
افزیده است و از حیثیت آنکه آدمیت
بمختصا و مرکب خود ما را از غلامی سخت

شیطان و جبرائیم ازاد کرد و باینکه
قدرت داد که از اینها بر اسم

س چه معنی دارد که پیدا شده است
بقدرت روح القدس

ج به اینجست که پسر خدا ادمیت گرفت
در شکم جناب مریم پاسبانه بوسیله پروانه بطور
مردم دیگر که بقدرت الهی که روح پاکست
س پس عیسی مسیح از حیثیت اینکه
ادمیت از پدر بوجود نیامده است

ج چنین است که اینچنانکه از حیثیت اینکه
خداست در آسمان از پدر پیدا شده نه از مادر
همین طور در زمین از حیثیت اینکه ادمیت
از مادر پیدا شده نه از پدر

س چه معنی دارد که زانیده شده است از مریم

ج از اینکه آن زن خجسته میان یکی زن
برگزیده شده تا از او و در او پسر حق تعالی
خدا ادمیت بگیرد و مریم نام داشت

س چرا او را بکر میگویند پس چون زاید

ج که همچنانکه بی وسیله مرد بقدرت ایزدی
حاصل شد همچنان بقدرت الهی زاینده شد
بنی انکه بکارت او زایل شود و همواره تا دم و این
بحالت دشری مانده بنا بر این کبر بود پیش
از زاینده و وقت زاینده و بعد از زاینده

فصل چهارم

در بیان باقی معنی سرآردن
س گفتید که پسر خدا ادمیت گرفت
و از مریم کبر متولد شد اکنون بگوئید چه معنی دارد
محشها

محشها کشیده حکم پیلای طس و مصلوب
شد و مرد و مد فون شد

ج این که حضرت عیسی صاحب بسیار
محشها کشیده و در صلیب کشته شد حکم پیلای
که ادم حکم دیار یهودان بود که آنجا حضرت
عیسی تولد یافت و تعلیم داد و معجزات و خوارق
فراوان بعمل آورد بعد از آنکه مرد و در قبر نهاده شد
س چه میگوید که مرد چون اقرار میکند که خدا
ج از حیثیت آنکه خداست نمر و بلکه محالت

که بمیرد اما از حیثیت آنکه آدمیت مرد بایک
جان از تن او جدا شد بروش مردگان
و بیکر اگر چه جان و تن از جدا نیست جدا نشد چنانچه
هرگاه چوب کمان از میان دو پارچه شود هر چند
آن پارچه از یکدیگر جدا آیند ولی بزهر خود یکی
شده و از او جدا نیستند همچنین است آدمیت
حضرت عیسی مرده اگر چه روح و تن از یکدیگر
جدا شدند ولی بسجده متحد گردیده و همیشه
اتصالشان باقیست

چرا

س چرا از حیثیت اینکه مرد شوشت که
از مرگ خلاص شود چون مردگان دیگر از خاک میزند
ج اری میتوانست لیکن بنی آدم نیت محبت
داشت که خود را جهت کناهکاران خدا کرد و گفت
همه کناهان ایشان برک خود ادا نمود
بنا بر این از او بغایت منت داریم
س چه معنی دارد که بجای پست رفته است
ج نیست که بعد از مردن که تن او را بقبور سپرد
بهین ملازمتش در جاییک زیر غنیمت رفت

س چه نوع جایهاست در اینجا
ج چهار مکانست در زیر زمین پستترین آنهمه
دوخت که اینجا شیاطین و مجرمان غدا
میکشند دیگر جای بلند تر از آن که از هر طرف
غیا منه یعنی جای پاک شدن از برای مردم
نیک که بعضی معصیت از ایشان سر زده اینجا
میروند تا مطلق پاک شده بهشت ^{میت} خیزند و دیگر
بلند تر از آن که از ایمپوس یعنی کناره میخیزند
که در اینجا بچکان بالغ میروند که پیش از
عقل

^۹ غل تقیه کردن مرده اند و در اینجا بغیر از محرومی
از دیدار خدا هیچ عذاب نمیکشند چهارم
جای رفیعتر از همه که از اناعوش کینار
ابر اهیم کومینه یعنی مقام ابراهیم خلیل که در اینجا
ارواح نبیاء اولیا خدا بودند و اینها خدا
نمیکشیدند و منتظر مقدم حضرت عیسی بودند
که ایشان را از اینجا بر آورده بهشت رسانند
س پس کدام جای از اینهاست
حضرت عیسی فرود آمد

ج بمقام چهارم و در آنجا نورانی حش
ارواح پاکان را و چون از قبر برخاستند
با خود برد و دیگر ارواح که در آن مقام
بودند بجال خود گذاشت

س چه معنی دارد که روز سیم برخاست
ج از بعد از آنکه از روز جمعه و شنبه نجاش
در آن مکان با اولیای مذکور بود و شش در قبر
باز همان بابت پیوند گرفت و زنده شده
از قبر برآمد و زنده کی جا و بیفت که هرگز فانی نیست

کمی

س بچه معنی میگوید که بر آسمان بالا رفت
ج از آنیکه عیسی صاحب عالمه از آنکه
زنده شده چهل روز با شاگردانش بر برد
و بحضور ایشان و دیگران بر آسمان رفت
و رسید ببلندترین مقامی که آنجا است و آن
کار محض بقدرت الهیت خویش کرد
س چه معنی دارد که همیشه بخت
راست خدا و خدا را دست راست و چپ است
ج خدا دست راست و چپ ندارد چه کم

از جسم منزّه است اما از این که میگویم که بت
راست خدا نشسته است بدینجهت است
که تا بقدر ما نمانیم که عیسی صاحب از حیثیت اینکه
پسر است همان بزرگی و قدرت را دارد و از حیثیت
اینکه ادمت در عزیزترین و بهترین مکانیک
بر اسمانت تکلمت و بزرگواری و قدرت
پیشتر از فرشتگان و همه پیغمبران دارد
س چه معنی دارد خواهد آمد برای
داوری کردن مردگان و زندگان

نه

ج اینست که قوتی که دنیا با فقر خواهد رسید
در آخرین روزش حضرت عیسی صاحب
از آسمان تمام بزرگی و شان عظیم فرود
خواهد آمد و از هر کلی مردم حساب نیک و بد
که بعمل آورده باشند خواهد گرفت و برایشان
عدالت کلی خواهد نمود و همه را جزا بجا
خواهد کرد و در ایشان خواهد فرمود
س چه همیگوید که داوری کند
بر زندگان و مردگان در روز عدالت و

اگر همه مردم نموده باشند و بعد از مردن زنده نشوند
 ج اری اما مراد از زنده کان مردم نمیکند
 و مراد از مردگان مردم عاصی و نیز مراد
 از مردگان انانند که پیش از ان روز مرده
 باشند و مراد از زنده کان کسانی هستند
 که تا ان روز زنده پیداشده اند و انهم در ان روز نیز
 خواهند مرد و بعد از ان زنده خواهند شد
 س چه معنی دارد ایمان می داریم ب روح الهی
 ج یکبار گفته ایم که خدا تعالی هر چند وجه

مطلق

مطلق در ذات و وجود است لیکن به قیوم
 قایلیم که انما پدر و روح القدس
 که جان پست باشد چنانچه در ابتدا ی
 این مجمع است و درین گفته ایم از خدا باین
 نسبت که پدر است و بعد از ان از همان
 خدا نسبت باینکه پدر است اکنون سخت
 درباره همان خدا نسبت باینکه جان پست
 یعنی روح القدس و این سر شکل چون
 بنایت بنده است چنان از او گذاریم بر همان متبر

س چه معنی دارد کلیسیا

ج مراد از کلیسیا جماعت عیسویست
و جامعه همه مؤمنان که بپیش اقرار میکنند
و پیروی نمایند برین حضرت عیسی و جانشین
آنحضرت را که پاپی رومی میگویند مقته
و راعی خود میدانند که حضرت عیسی او را
بر زمین خلیفه خود ساخت

س چه معنی دارد کلیسیای رسولی

ج آنست که رسولان حضرت عیسی صاحبان

همان

همان دینی را که از آنحضرت تعلیم گرفتند
بعینه آن را بکل دنیا مشهور و منتشر
ساخته و نیز همان دینست که از آنوقت
تا کنون در میان مؤمنین دین عیسویان
معمولست و جانشین های همان رسولان
میداشند که از آنروز تا بحال پیوسته بوده و هستند

س چه معنی دارد کلیسیای کاتلیکی

ج کاتلیک لفظیت یونانی که ترجمه اش
کلیات و مفروش نیست که جماعت

کاتلیک در صحره وقت بوده و خواهند بود
و در کل دنیا و میان هر قوم همیشه مشهور باشند
س چه معنی دارد کلیسای احمه
ج مراد از کلیسای احمه جماعت عیسویت
که یکی یک کلمه پیشند و یک کلمه بان دارند
که آن جناب پاپا پیشند

س چه معنی دارد کلیسای مقدس با وجود
آنکه در عیسویان بسیار کنایه کار پیشند
ج زیرا که حضرت عیسی که سردار اینست

پاک

پاکت و دین عیسویان کامل و پاکست و نیز
در این جماعت مذکور بسیارند که بنیکوکاری
نزدیک خدا پاکند و سوای از این جماعت
هیچکس باقی نمیشود که پاک و ولی باشد
س چه معنی دارد شرکت پاکان
ج اینست که چنانچه در وجود آدمی همگی اعضا
که زندگی دارند شریک در رنج و خوشند و عضو
که از کار رفته و حس در او نماند هیچ شرکت
ندارد بهمین طور در میان عیسویان مردمان

نیک و پاک شرکت دارند در دین و نیکیها
که میکنند و این شرکت خاصه پاکانست
چرا که کناکاران همچو عقوبت کار رفته است
و از این شهکت محرومند

س چه معنی دارد امرش جبرایم
ج اینکه در جماعت عیسویان علایهای
خاص میباشد که باعث رحمت و مغفرت الهی
میشوند و از این محروست هر کشتی و دینی دیگر چرا
ایمان ندارند بجماعت عیسی بخشنه جبرایم

ص

س چه معنی دارد برخواستن مردگان
ج اینست که همه مردگان یک پیش از روز
قیامت مرده اند باز بقدرت الهی زنده میشوند
با منقسم که جان هر یکی بتن اصلی خود پیونده
گرفت و آن تن هر چند که پراکنده شده باشد
فرشته های حارسان یعنی نگهبانان همه
اجزای آن را جمع نموده به دستور سابق
ترکیب خواهند داد و روح در او قرار خواهد
گرفت و بعد از زنده شدن هر کس خواهد مرد

س چه معنی دارد حیات جاوید
ج نیت که اعتقاد داریم که مردم نیک
 بوسیله مرگ و محشای حضرت عیسی پادشاه
 نیکوکاری خود را در بهشت خواهند یافت
 و خدا را خواهند دید و از هر خوبی بهره مند
 ابد الابد خواهند شد و این حالت سر هر
 سعادت حیات جاوید خوانده میشود
س کناهایکاران که حیات جاوید خواهند
ج خواهند داشت چنانچه کفتم هرگز نخواهند

مرد و لیکن چون در دوزخ موجب عیبیان
 بشهرین عذاب گرفتار میشوند پس
 چنین حیات را نام حیات نهادن دور
 از عقلت مکررک جاوید

س چه معنی دارد نهمین که این باشد
ج نیت که این چنین یقین داریم و باینکلمه
 اقرار میکنیم که یقین داریم آنچه را که در این
 قانون اسرار دین نقل کردیم

فصل پنجم

چهارم پرونده خود را احترام نمایی از برای خودی خود

پنجم قتل مکن

ششم زنا مکن

هفتم دزدی مکن

هشتم از برای رفیق خود دروغ شهادت نه

نهم از زن رفیق خود از زو مدار

دهم و نه از هر چیزی که از او است

و این ده حکم در دو حکم خلاصت یکی دوستی

خدا تعالی را از همه چیز و دیگر بر هیچ خود را

سکرم

در این کتاب
از حضرت
امام علی علیه السلام

س پس حکم نخستین را با بر بگویند

ج حکم نخستین است که خدا تعالی او را دوست دارد

س بیان کنسید این حکم را

ج در این حکم امر است که هیچ چیز را از مخلوقات

چنان پرستیم و دوست نداشته باشیم که خالق خود را

س این چه معنی دارد

ج اگر خدا تعالی یکیت و چنین او را پرست

و عزیز داشته باشیم که آماده شویم از برای او

و مادر و همه چیز بلکه خود را نیز بکشد از بیم آوری



خلاف حکم او نکستیم ^{۵۸}

س یا برای سلامتی جان خلافت

حکم خدا گناه میتوان کرد

ج نه زیرا که رضای خدا تعالی را از خود

و از همه چیز دوستر باید داشت

س در این حکم امر دیگر هست

ج اری نخستین و بزرگترین چیز که در این حکم

فرموده میشود اینست که هیچ چیزی از مخلوقات

و نه صورت امر آنجانی پرستیم غیر خدا که خالق



ما و افرید کار تمامی است ^{۵۹} و او واحد ^{مطلق}

س چه چیز دیگر در این حکم خلافت

ج اینکه اعتبار کنیم تمام عقیده بخدا و هیچ

شک و شبهه بخوان او نیاوریم بلکه حکمات او را ^{یقین}

بدانیم هر چند بکینه معانی او نرسیم و ازها معلوم ^{نشود}

س دیگر چه چیز در این حکم خلافت

ج نیز میفرماید خدا تعالی که تمام امید ^ی

بر او داشته باشیم و در ضروریات کیش ^ی

با او التجا داریم و بهیچ نوع بشیطان رجوع

کنیم بوسید جا دو کوی و غیره

س حکم دویم را بگوید

ج اینست که اسم صاحب خدای خود را

با طلا بر زبان میار

س بیان کنسیه اینست

ج معنی این حکم اینست که اسم خدا را بی لزوم

بر زبان نیاریم و نیز قسم بنام خدا نگیریم بی تقرب

یعنی بنارسی و در بی انصافی و پشیمانی

س چه معنی دارد اسم خدا را بی لزوم بر زبان

آوردن

ج اینست که در جایگاه این که ذکر معبود موجب

تجبد و تحمید او نیست بیهوش نباید مذکور ساخت

که باعث کسر کبریا بی و سجانیت او میشود

س نام راستی چه معنی دارد

ج اینست که اصلاً بر روغ بنام خدا سوگند نگیریم

مگر در آنچه واقع و راست است

س آیا وقتیکه در دروغ فیه از برای

کسی باشد سوگند بنام خدا میتواند خورد

ج نه بلکه نسبت بنده که عین راستیت پیرای

س حکم سیم که است

ج اینست که روز شنبه را که از برای ما تبدیل
شده است بیکشنبه باید دار تا آنرا مقدس نمای
س مقدس داشتن بیکشنبه چه معنی دارد
ج اینست که روزهای یکشنبه را که در تمام
سال پیاپی باید مشغول بشیم در آن روزها بهر
مقدس و نیک و عبادت خدا مثلا از شنیدن
قداس و عطا و مثل بخیر یا و نیز صفت نمودن
از مشقت کار و بهر جسمانی که اکثر اوقات مانع

کار را

کارهای روحانی و عبادت یزدانی پیاپی

س ایام در میان عیون در پهن سال

عیونهای دیگر است که باید مانند یکشنبه مقدس داشت

ج بلی بعضی روزهای خاص است که در آنها

یاد کرده میشود از بعضی احوال حضرت

عیسی و جناب مریم و اولیا اله دیگر

س حکم چهارم که است

ج اینست که پدر و مادر خود را احترام نمای

تا از برای خودت نیک شود

س از برای خودت نیکو شود چه نمی دارد
ج نیست که موجب از یاد عمر و رونق در می شود
س در این حکم پیری دیگر دخل می پند
ج اری نیست که نیز حکمت که هر کسی اطاعت
پادشاه خود را نماید و بجا کمان دیگر نیز فرمانبرداری
کند و بزرگان خود لوازم اداب و پرستاری
بجای آورد در پنجه نایک خلاف دین خدا نباشد
س حکم پنجم که است
ج نیست که قتل کمن

س ایامند حجت در این حکم که هر نوع
از حیوانات را نکشند
ج نه بلکه میتوان کشت هر چه در ملک خود
بود و بکار باشد که افریده شده برای فواید
خلق در حیات و حماه
س پس چه چیز را میفرمایید که قتل کمن
ج اینکه هیچ نوع از بنی آدم را بناحق نکشیم
و نه بجانیم نه بگردار و نه بقتل زشت و نیز بدل به
نخواسته باشیم و از زیان و نقصان شان شاد نیوم

س ای بادشمنان خود بی کردن حالت

ج نه بلکه حکمت که دوست داشته باشیم بدکار

خود را و با او نیکی کنیم و قتی که او را با

اتجانی ضروری باشد

س حکم ششم که است

ج زنا کن

س این حکم را چه طور بکاریم

ج اینکه مجامعت نکنیم با زن پیکانه خواه

که خدایا باشیم و خواه مجروح و بیدارین بدفعلی ما

مکرر

نه بکردار بعلل ارییم و نه بر بیان و نه بفکر که

بت که نیست با بعضی جبرایم اقیح

که شاید یکی نام بردن نه دارد

س حکم هفتم را بگویم

ج نیست که دزدی کن

س چه معنی دارد دزدی کردن و چه باشد

ج دزدی نیست گرفتن و نگاه داشتن

لقه و جنس کسی را بی رضای او خواه بغصب

بود و خواه پنهانی خواه به غایبازی باشد

و خواه بود و نیز تعطیل کردن در ادای
قرض منکام قدرت و محصل کردن
در پاداش خدمات شایسته داخل و دزد
و بهیچ وجه از انواع مذکوره خدا را راضی
نست که مال کسی را نگاه داریم
س حکم ششم را بگویم
ج اینست که از برای رفیق خود دروغ شهادت
س در این حکم چه دخلت
ج اینست که از بنی ادم احدی را از بنجانیم

به پیغمبری یعنی بنحمان دروغ
س یا دوستی که بی کسیر تحقیق
به اینم ظاهر می توانیم کرد
ج اگر به اینم که بی مخفی از او سر نیز
هر چند که راست باشد نیتو اینم ظاهر کرد بلکه پنهان
داشتن لایست مکران بی که خلاف
عقیده دین باشد یا پوفالی نسبت
بیاد شاه در این حالت هر چند آن گناه مخفی
باشد باید ظاهر کرد تا بعد بجا آورده نشود

س در اینجا چنانست که اصلا دروغ نگویم

ج بلی از این که خدا عین راستیت مطلق دروغ

مقبول او نیست حتی از دروغی که به سبکس ازاد

نرسد و بجهت نفع کسی گفته شود جتنا با لاد

س حکم نهم که است

ج نیست که از زن رفیق خود از زوجه ار

س کرد در حکم ششم بشارت بمنع این بود

ج اری در آن حکم منع بود هر گنا میرا که بشود

را فی تعلقت خواه بگردار و خواه بقتل باشد

لیکن

لیکن چون محافظت پاک و اجتناب از الوه کی

بغایت در کار است و در این استقامت

نمودن بسی مشکل بنا بران از زویران فرین

که بیخ این گناست تخصیص منع آمده

س حکم دهم را پمان نامید

ج نیست که و نه از هر چیزی که از او است

س این چه معنی دارد

ج این چنین است که در آن حکم منع شده است

که از زوی مال فوق خود از هر چیزی که باشد مکن

تا مطلق شود و شود و محکم بسته شود باب
نقصان و زیان رساندن بر رفیق خود
س بیان کنسید آنچه نیکیست که این
ده حکم در دو حکم دخلت
ج گفته ام که این ده حکم مذکور منحصراًست
در این دو حکم که خدا را دوست باشیم بر همه
چیز و خلق خدا را دوست خود بخوایم زیرا که اگر
خدا تعالی را از همه چیز دوست داشته باشیم هیچ
نوع از حکم او تجاوز نخواهیم نمود و کینه و عیندگی

اورا

اورا حرمت تمام خواهیم داشت و در روزی که
عبادت نموبند تا کید شرعی را بر آنها را
بجا خواهیم آورد و اگر خلق خدا را دوست
خود دوست داشته باشیم یعنی آنچه برای خود
خواستیم به بگری نزنمان را نخواهیم
و آنچه نسبت بخود تجویز کنیم به بگری پسند
نماییم پس در بحالت والدین را اولاد است
خواهیم داشت و رفیق خود را از رنج خواهیم
رسانید نه در ذات او بکشتن یا زدن یا سخن

یا بفر که اشتق غرت و نه هم در باب زن
او خواه تصرف و خواه بیه نظری و نه در مال
او بزدیدن و نه در غرت و نیکامی او بشمار
دروغ و تهمت میچیک از اینچه را بفعل
نخواهیم آورد و از روی انرا نیز نخواهیم کرد

فصل ششم

در بیان حکام کلیسا

س مکر در دین عیسویان بعضی حکام دیگر پادشاه
ج بی بسیار است اما در کمال شهرت پنجه

که در این

س که است آنها

ج اول سماع قدس در روزهای کیشبه عید
دویم عتراف کردن اقل مرتبه یکبار در تمام سال
سیم الحاق شدن در عید بزرگ که عید قیامت
چهارم روز و کز قیامت تمام روزه کلان و در دیگر روزهای
پنجم عید دادن

س این پنج حکم را بطریق مختصر بیان
کنید قبل از این گفته بودید که روزهای عید
که است اکنون بگوید که چه معنی دارد قدس که

که شنبه نش در روزهای یکشنبه و عید و لاینت
ج مراد از قدس که میله بفرنگی میگویند
یک نماز خاصست که پادری در عبادتخانه میکند
بیاد مرگ و نجاتهای حضرت عیسی صاحب
و ان را یلباید که هر کس توجه دل بشنود
س چه کنیم تا توجه دل داشته باشیم
وقت این نماز

ج سخن نکردن کبھی و هیچ چیز را بجز خدا
در فکر نیاد و در دل برای توجه دل بقاییت

۲۹
محمد است بیاد آوردن آنکه بخدا حرف نینم
و حضرت تیم پیش و
س شامید هیند بعضی ادعیه
که وقتیکه قربان مقدس را بر میارند
میخوانند باشند

ج اری و نیست پر تش میکنیم تو را
ای صاحب عیسی مسیح و تو را هزار شکر که اری
و ستایش بجای میاریم جت آنکه بوسیله
صلیب مقدس را ملی بخشیدی عالمیان

از تو درخواست میکنیم ای صاحب که گناہان را بخشید

س چه عا میخوای وقتیکه کاس

مقدس را بر میسازند

ج این دعا را پرتش میکنیم تو را ای معتمد

حضرت صاحب ماکه جهت بنی آدم در وقت

صلیب ریخته شدی

س حکم دوم چه معنی دارد

ج اینکه مرد عیسوی چون سیلاخت

برسد لارنت بر او که از جبرائیم خویش

هر

اعتراف کند اقل مرتبه در سال کیبار

در ایام روزه کلان

س چرا میگوید که باید در سال کیبار

اعتراف کند مگر بیشتر جائز نیست

ج بی جایز است و نیز حکمت که اعتراف

کند وقتیکه خاطره اجل رسیده و یا گاهی

در پیش گرفت که خطر مرگ در او باشد تا زکات

پاک شده جان بحق تسلیم کند

س بگوید که اعتراف چه شرط دارد

تا بوجه حسن بجا آورد شود

ج در اعتراف به شرط لائرت

اول پشیمانی و شکستگی دل

دویم راستی

سیم درستی

س بچه نوع اظهار پشیمانی و شکستگی دل را

ج با اینکه گناهکار خود را مجرم و عاصی بتا

و بهیبت و ترس خدا قایل باشد بر عصیان

خویش همچون کسیکه مغفرت جبرائیم ^{مبطلد} خود

مورث

س چه طور است راستی

ج اینست که آنچه از او واقعی سرزده باشد

بگوید و زیاده از آنچه کرده است بگوید و نیز پنهان

نکند آنچه را مرتکب شده است و بموجب شرم

و خجالت عذری بران بدروغ نیارد بلکه آنچه

واقعیست از ته دل بگوید بطریقیکه کسی بخدا

که عالم لغیب است حال خود را ظاهر میازد

س چه طور است درستی

ج اینست که بعد از تأمل و تفعل در گناهان

خویش هر آنچه بپادشاه بگوید بی آنکه
چیزی را پنهان کند

س حکم سیم که است

ج نیت که بر کس که عیسوی باشد
چون بلاغت رسیده و واقف شد
از قربان معتمد نیت بر او که در هر سال
در وقت عید بزرگ تقرب بقتل بان
نموده الحاق شود

س حکم چهارم چه معنی دارد

اعلای

ج این که بر عیسوی نیت که روزه نگذارد

نگاه دارد و در روزهای پرنیز دیگر در کفین

روزه حکمت مکر شخصی که عذر و پکاری

و ناتوانی و غیره داشته باشد

س حکم پنجم که شصت بر عیسوی دیگر

چه معنی دارد

ج نیت که ده یک از اموال نقد و جنس

خود را که قسمت خدا می باشد تسلیم

خلفا یا کیشان نماید

فصل هفتم

در بیان مناجاتیات

تخصیص در بیان دعائی که نماز ربانی خوانند

س گفتیہ آنچه عتقاد باید کردن

و بعمل آوردن اکنون بگوئید آنچه از خدا بطلبید

ج هر آنچه از او باید داشت و از خدا بطلبید

و خلعت در آن دعائی که از نماز ربانی بخوانند

س پس آن دعا را بگوئید

ج ای پرما که در آسمان هستی نام تو مقدس

باد

باد پادشاهی تو پیاید شود اراده تو چنینکه

در آسمانست در زمین نان روزیست ما را

در این روز بماند و قرضهای ما را بمانش

چون که ما قرضه از آن خود را حنی بخشیم

و ما را در معرض از بایش میاور بلکه از شریر

ما را خلاصی ده زیرا که پادشاهی سلطنت

و جلال تا به از آن توست ایکن

س این دعا را که پیدا کرده است

ج حضرت عیسی صاحب انرا پیدا کرده است

و بهمان مبارکی خود اموخته است

س از برای چه

ج تا ما نماز کردن بی موزانه

س نماز کردن چه خیر است

ج جمع نمودن فکر خود را بنجد او مناجات کردن با او

س قستیکه ای پدر ما میگوید که خرفی نه

ج بنجد اصحاب خود

س خدا کجاست

ج در آسمان و در زمین و در همه جا بدون

انکه

^{۸۹}
انکه مقید باشد در جانی

س قستیکه ان نماز بانی را بخواند

بکدام سخن فکر میدارد بنجد

ج با اولین سخنها

س که همه

ج ای پدر ما که در آسمان هستی

س چرا خدا را پدر میگویند نه صاحب

ج به نیجهت که هر چند خدا خالق و صاحب

ماست اما از این که دوست میدارد بنده گان

خود را و ایشان را فرزندان خود میخوانند

لهم بما میفرماید که او را پدر بگویم

س دیگر برای چه

ج تا هرگاه که او را پدر میگویم پاداریم

محبت بزرگ را که نمادارد و از اینجاست

از او عطاها در خواست کنیم تمام امید واری

همچو فرزندان خود و نیز از اینجاست لازم

بگیریم بر خود که بیایکیزی بسر بریم و از مری صحت

کنیم که چپین برای ناشایسته صادر گردد

در مری

از فرزندان چنین پدر

س چرا میگوید ای پدر ما و میگوید ای پدر من

ج تا پاداریم محبتی را که باید بیکدیگر داشته باشیم

همچون برادران که هستیم فرزندان

چنین پدر نیک و از جهت اینست که در خواست

میکنیم از خدا برای امکان بنا بر این هر چه

است عاقلانیم از خدا در اینجه برای بهبود امکان

س چرا میگوید که در آسمان مستی

ج تا پاداریم که آنجا است پدر آسمانی ما

با همه خوبی و از اینجاست برکنیم دل خود را
از چسبندگی زمین

س نغمه بودید که خدا همه جا است
پس چون میگویند که در آسمان هستی
ج با اینجاست که هر چینه خدا تعالی در همه
جاست اما بر کنیز آسمان را که جای خاصه
و لطیفه است و در اینجا پادشاه و قدرت و بزرگی
خود را بر کنیزگان خود ظاهر میکند و پایین تر
ایش را سعادت همه سرمدی میگرداند

کلمه

س گفتی که بگم سخن از اینده عا
دل متوجه میشود بچند و امیدوار میکرد دارم
اکنون بگویند که بگم سخن در خواست کرده
میشود عطایای الهی را و ان عطایا که است
ج بهیچکلی الفاظ اینده عا در خواست میشود و عا
هر غایت شایسته که برای جان و تن
باید خواستن و طلبیدن
س آنها که مهند
طلب غرت و بزرگی و سعادتندی

ماکہ برای ان افریده شدیم و نیز چیزها میکنه
باعث حصول سعادت
س بکہ ام سخن غرت خدا طلب کرده
ج نخستین کہ میگویم نام تو مقدس بود
س مراد از نام چه باشد
ج صیت نیکو نامی و بزرگی خدا
س پس چه معنی دارد نام تو مقدس
بدکر نام خدا مقدس نیست
بلی نام خدا مقدس است ولیکن منجمله

کہ کس

کہ همه کس نام اورا بپاگیر کی یاد گرفته و ہمگی
خلایق خدا را بشناسند و پرستند و با او
تمام غرت و ادب سلوک نمایند و چنانچه
باید و شاید اورا عزیز دارند و چون بخت تعالی
پر میگویم انصاف نیست کہ از او هر از رویکه
داشتیم بخوابیم و از او درخواست کنیم کہ بعد
توفیق را رفیق گرداند تا وصف اورا بگویند
و عبادت شایسته بجا آورند
س بکہ ام سخن میطلبید سعادت مندی را

که برای آن آفریده شدیم^{۹۶}
ج باینکه یکویم پادشاهی تو پیای دو مرد
از پادشاهی خدا آن مرتبت که در بهشت است
که در انجاریت میرشد و کمال طاعت
بجا آمده در انجا تمام آرام و اسودگی بر میرد
پس بدین سخن که پادشاهی تو پیای در خواست
میکنیم از خدا که توفیق و امداد از او ببارسد
تا آن سعادت را بدست آریم
س چیزهاییکه لازمت برای بدست

آوردن

آوردن آن سعادت که منت^{۹۷}
ج بجا آوردن اراده خدا و طلب رزق
در وقت ضروری برای تن و جان نگاه داشتن
و بخشش جرایم و توفیق آنکه مرتکب عصیان
نشویم بلکه از هر شری مخلصی یابیم و اینچنین را
در خواست نماییم در هیچ سخن که تمام این دعاست
س آن کلمات را سپاس نماید
ج بگفتن اینکه شود اراده چونیکه در است
در زمین یعنی در خواست میکنیم از خدا توفیق



و معاونت را تا دین خدا را کمای نغنی نگاه
 داشته باشیم و اطاعت او را که در چیز
 میفرماید و اشارت باراده خود بپایه بجا آوریم
 و درخواست میکنیم که اطاعت مردم در زمین
 چنان بجا آید که ملائکه در آسمان

س بلکه ام سخن بزرگ ضروری طلبیده میشود
ج به آنکه میگویم نان روزینه ما را در این روز
 بماند که مراد از نان طعامت و هر چه بری
 معیشت بکار آید هر چند برای رستن بسیار

۹۹
 چیزی را در کار است لیکن از این که بجز رزق لایق
 و احتیاج طلب نداریم و بقوت لایموت تقوت
 و زرعیم از همه چیز دیگر که شته تا نما میطلبیم
س برای چه میگویند نان روزینه ما را
ج تا معلوم شود که باید قانع شویم با آنچه از دست
 و خلاصت بر ما و طلب نه داشته باشیم چیزی را
 که فی الحقیقه بر ما ضرورت

س چه میگویند در این روز بماند
ج زیرا که خدا تعالی راضی نیست بر آنکه

اسباب معیشت زمان مستقبل از روی
حرص در زمان حال طلبیده و ذخیره نمایم بلکه
میخواهد که آنچه امروز ضرورت همان قدر کفایت
کنیم و غم روزی فردا را نخوریم بلکه امیدوار
باشیم که کسی که صاحب ماست و امروز را
روزی داده است یقین که فردا اگر استه
نمایم بسته خواهد رسید

س چه معنی دارد و قرضهای ما را بپاش
ج مراد از قرض خط بابت و سیات که

بر

بموجب خط لاینت بر ما که این از قرضها است
و چون خود را محرم و عاصی میشناسیم ترشح
و شکستگی امرش میطلبیم
س چرا میگوید چنانکه قرضه را از خود ترا
ج باینکه واجب گردانیده است خدا تعالی
که مانع ترشحیم به بیاییکه از مردم بامیرسد زیرا که
او به بیهای ما را نخواهد بخشید تا اینکه ما به بیهای
برادران خود را عفو نمایم

س چه معنی دارد و مراد معترض این

ج نیست که با وجود آنکه خدا تعالی عصیان
ما را بخشیده اما هنوز ملاحظه داریم که بموجب
بی استقلالی پایی ما از خدا مستقیم مغفرت
و مرتب کردن ناشایسته شویم بنا بر این از خدا
مسئول نیست که کمالات ما را با تقسیم در معنای
ضلالت بموجب رضای که باز مایش و دوسره
شیطان داده بشیم بلکه درخواست میکنیم
از خدا که تجویز نماید که از مایش و دوسره
شیطان انقدر بر ما مسلط گردد که رضی
ماند

بان کشته که از جا درایم^{۱۰۳}
س در انخن که میگوید بلکه از شیر
ما را خلاصی ده چه مراد است
ج مراد از شیر هر چیز است که مضربان بتواند
بود و مانع آید از غایت و عبادت خدا
س چه معنی دارد زیرا که پادشاهی
و سلطنت و جلال تا ابد از ان توت
ج نیست که میان ایند و خویش
کردیم که پادشاهی قوی یا یعنی پشت

و حصول رویت خدا و اصل این پادشاهی
تأیید از آن خدایت و سلطنت که
بمعنی قدرت نامتناهی باشد آن محقق
اوست و میتوان که از این قدرت خود ما را
بهشت جاودان کرامت فرماید که
موجب جلال او گردد

س چه معنی دارد این
ج نشان آن از روست که داریم که باید
سر آنچه از او میطلبیم زیرا که اصل معنی

این

این نیست که چنین باد ^{۱۰۵}

فصل هشتم

در بیان دعائی که از اسلام ملاکتی میکنند
س خوب گفتید که در این دعا هر چه
ارزوا از خدا بایه طلبید و خلعت و معلوم شود
که آنرا موافقت حضرت عیسی صاحب
دانش لیکن بجز آن دعای دیگر دارید
ج آری
س که است

ج انکه اور اسلام ملائقتی یکوینہ

س بگویند انرا

ج سلام بر تو ای مریم پر نعمت از غنایت

خداوند با توست مبارکی در میان زنان

و مبارکت میوه شکم تو حضرت عیسی ای مریم

مقدس در خدا دعا بکن برای کناهکاران

الکون و بهر مقام مرک ما آمین

س ایند عارا که پیدا کرد

ج بعضی از انرا جبرئیل و پاره را الیصابات

و خد

و چند کلمه دیگر از کلیبیای مقدس شپا بگرم
س وقتی که ایند عارا بخوانند با که حرفی

ج بحجاب مریم

س کیت مریم

ج خاتونیت پر از انواع نیکیها

که با در خداوند است و در آسمان پیش

س از اینجا تون در ایند عا چه میطلبید

مگر از او امرش عصیان نخواهید یا شتکی یا

ج میطلبیم که وکیل شفیع ما باشد نزد خدای تعالی

تا از او چیزی بای مذکور و غیره را برای تمنی کند و بستاند

س اینده عا را کدام وقت میخوانند

ج اکثر اوقات از او میخوانیم بعد از آن دعا که
او را نماز ربانی میخوانند

س برای چه

ج تا درخواست کنیم از آنجناب که در پیش
خدا شفاعت کند که آنچه مطلب ما در آن دست

به هم سپردن کسی که چیزی از یادش میطلبید
و یکی از بزرگان وسیله او میشود تا ما ببرد

اسم

س اینده عا را پان کنسید ^{۱۰۹}

ج در اینده عا سه چیز بعمل می آریم

اول میفرستیم سلام بر حضرت مریم

دویم پاره از ستایش او میگیریم

سیم آنچه در کار داریم از او میطلبیم

س کدام سخن او را سلام میفرستیم

ج با من سخن که سلام بر تو ای مریم

س این از برای چه

ج چه اگر نچنین گفت جبریل فرشته

خدا وقتیکہ از خدا نازل شد پیش او

س ثواب دیگر ہم مت

ج اری نیست کہ چون سلام فرشته را

ماہم میگویم پاد می اریم انرا و نمرده را کہ جبریل

اور دتا اورا الهی بخشہ کہ خدا یتعالی برگزیدہ اورا

مادری پسہ حقیقی خود و باینکہ اورا از جانب

خود راغب میکنیم تا ہرچہ باو التماس

داریم بکوشش رضا بشنود

س چہ ستایش میکنید اورا در انبیا

ج چہ ستایش بزرگ

س اولین را بگوئید

ج پر نعمت از عنایت

س چہ معنی دارد پر از عنایت

ج نیست کہ از عنایت و عطف ایزدی

نعمتی نتوان یافت کہ بطور بلند در او نباش

س دوم ستایش کہ است

ج خداوند با توت

س بچہ معنی

ج اینک همیشه خداستعالی با او بود و پناه
داده اش از هر بدی و توفیق بخشنده اش
برای هر نیکی شد تا هر جرم از جرایم هر چینه
صغیره باشد از او سر نزنند و پیوسته در احوال
ثابته الهی مشغول باشد بی آنکه شیاطین
سده راه مکارم اخلاق او کردند
س سیم ستایش که است
ج مبارکی در میان زنان
س بچه سبب

ج زیرا که انتخاب فضیلت و ترجیح داشت
بر همه زنان که از روی خارق عادت مادی
او مانع دختریت و بکارت نشد و بکارت
او مانع مادی نکردید چنانکه در مومنات
دیگر معمول است و اینکه گفته میشود که مبارکی
در میان زنان از این جهت است که برگزیده شد از روی
پاکیزگی و علو درجات تا مادر حضرت عیسی باشد
س چهارم ستایش که است
ج اینک مادر حضرت عیسی شد

س در کجالت این ستایش
ج در اینک ببارکت میوه شکم تو حضرت
 عیسی فی الحقیقه ستایش عظمت نسبت
 بزنی که از شکم او ولدی فاضل عالی نژاد
 براید و چون حضرت عیسی بر مکنان زیاده
 فضیلت و رحمان داشت بغایت ستایش
 بزرگ که مادر چنان کس باشد
س این ستایشها از دهان که برآمد
ج ستایش نخستین اورا جبریل گفت

و صلوات

۱۱۵
 وقتیکه مرده داد اورا که حضرت عیسی از او
 تولد خواهد شد و ستایش چهارم را الیصابات
 زن مقدسه نیک مادر یحیی پیغمبر بود بران افزود
 بتلقین ایزدی چنانچه در انجیل مکرر ثابت
س که است ان چند کلمه که کلیسیای
 مقدس الحاق نموده است در این دعا بکلام الهی
ج ای مریم مقدس مادر خدا دعا کن برای ما
 گناهکاران اکنون و به هنگام مرگ ما
س چرا میگویند مریم مقدس مادر خدا

۱۱۶
بیخبت که باینده و کلمه منحصر شود هر تسلیش
و تعریفی که نسبت بجناب مریم میتوان گفت

س از برای چه

ج برای اینکه هرگاه او را مفسد مسکونیم
فی تحقیقه از هر کنایه که جان پاک را الوده و کشف
میزد او مفسد و پاکت و باین سخن که مادر
خدا گفته میشود او را بزرگترین ستایش کرده ایم
که هیچگونه وصفی مثل آن نمیباشد

س این چه طور تواند بود که خدا مادر

دیده

۱۱۷
داشته باشد و یا از زنی تولد یابد

ج مانع میگوییم که خدا مادر دارد و یا از زنی
پدید آمده است چنانچه سابقاً هم میگویم که گفتیم
بلکه میگوییم که حضرت عیسی خداوند حقیقی بود و هم
ادم حقیقیست زیرا که هم ذات الهی دارد
و هم ذات انسانی بنا بر ذات الوهیتش
جناب مریم مادر خدا نمیده میشود چنانچه زنیکه
مادر پادشاه است نه ایشیت است که پادشاهیت
از او تولد یافته مگر از این جهت است که مادر

کیت که پادشامت ^{۱۱۸} و نیز زنی که مادر است
نه از جبت است که علم از او تولیه یافته باشد
بلکه از یجبت است که مادر کیت که صاحب
داشت و بنا بر ذاتش تولد یافته
شده بود اد میت نه خدای

س آنچه در کار داریم و از او میطلبیم
در آیند عا چه خیرات
ج نیست که اظهار احتیاج و غر خود را
پیان مینماییم باینکه خود را کناکار میگویم

یعنی خالی از خو پها و شایستگیها و فی الحال ^{۱۱۹}
از او میخواهیم که به عا در ضروریات ما را مدد نماید
س مگر میخواهید که جبرایم شمارا خدا
عفو کند و بهشت جاویدانی ببرد

ج نه زیرا که بخیر خدای یگانه این گرفتاری
نمیستواند نمود ولیکن چون اینجا بر پیش
خدا تقرب تمام پیشه از او میخواهیم که اینچیز را
از خدا در خواست نماید و و رای آنها
آنچه ما را در کار باشد

^{۱۲۰}
س برای چه میگوید اکنون و هنگام مرگ
ج برای اینکه دور از غفلت موقوف
داشتن چاره نیکی و بدی را بوقت دیگر چون
کسی مطلع نیست که کدام وقت و دلیقت از یاد
که عبارت از جهالت خواهد سپرد بنا برین
از او درخواست مینماییم که در کند ما را در اینجا
که هستیم و در این خردریات که داریم
س چنانچه میگوید به هنگام مرگ
ج زیرا که مرگ شایسته صحت در همگی

درگاه

^{۱۲۱}
زندگانی و عداوت برای جبرایم عمر گذشته
و در آنوقت اکثر در درنج بن افزایه و غم
جان و وسوسه شیطان هجوم میکنند
و اگر در آن هنگام بلیس استیلا یافت
اهل ضلالت شدیم و کار از علاج رقب بنابرین
مخصوصا استعدای مینماییم از مریم معش
که در آنوقت بدف ناوک را معاون باشد
که خطر عظیمت و سلامتی و چاره را بستاند
س چه معنی دارد این

ج قبل از این هم گفتیم که این لفظ شملت
به این معنی که از رو داریم که اینچنین باشد

فصل نهم

در بیان توجه بجناب مریم و غرت صورتها
س چنانچه از جناب مریم درخواست
میکنید که در ضروریات و بهنگام هر یک
برای شاد عاقلان و اولیای دیگر همین مطالبه
ج اری همه را در این درخواست شریکیم
خصوصا بعضی اولیا را که با ایشان توجه داریم

س آنها که آینه

ج از آن اولیا پیشینه که با ایشان
هم نامیم و نیز آن ولایت که در از رو داریم
و عیبه اوست و از فرشتگان آن
فرشته را که نگاهبان است

س چه میخواهید با ایشان

ج هر روز آن دو دعا را که نماز ربانی سلام
ملاکتی میگویند میخواهیم بنام اولیای همان
خود و نیز بنام فرشته که محافظت کنند است

و هم به اینندال بعضی از اولیای خاص را
س چونت که بنام اولیاد غای
ربانی و سلام ملاکتی را میخواهند

ج بیخبت دعا بیز بنام ان ولی میخواهیم
که از خدای درخوت نمایم که شفاعت او آنچه
از خدا میطلبیم کرم فرماید و ان سلام ملاکتی را
در نزد جناب مریم میخواهیم نیز بنام ان ولی
مارا از درگاه ایزدی حاصل کنند

س جناب مریم را بغایت میخواهیم

اری

ج اری بی نهایت چرا که فی حقیقت او پاکترین
از همه مخلوقات و دوست که بخت امداد ما
قادر تر است پیش خدا و به دست هر ربی
مینماید بر عاصیان نزد خدا

س از انصاف مت که او را بسیار
دوست داشته باشید و مکرم و معزز دارید
چرا که لیاقت دارد ولیکن صورت او را
برای چه با خود دارید

ج تا سمواره از یاد او غافل نباشیم

۱۲۶
س چرا این صورت را مانده صورت
جان دار غرت و حرمت میکنید
ج از این جهت انصورت را محترم میدانیم
که صورت جناب مریم است چنانچه انجیل مترا
از روی تعظیم بر سر میزنیم و بوسه میدهم
و غرت میکنیم زیرا که آن نوشته را منظور
داریم که در وی سخنان ربانیت و فرمان
پادشاه میرا تعظیم از آن رکعت میکنیم که
فی الحقیقه در آن پادشاه را عیب نیستیم که از وی

وسول

۱۲۷
و پیغمبری بان منسوب بپادشاه است
س خوب لیکن از برای چه در وقت
نماز انصورت را در مقابل میزنید چنانچه
گویا با او حرف میزنید
ج ما وقتیکه دعا میخوانیم بصورت سخن
نمیداریم لیکن خوشحالی میماند که از او در وقت
همیش داشتیم باشیم زیرا که دیدن آن
بسیار امداد میدهد برای توبه دل و
چون صورت از او ببینیم از انجناب یا

می آید که اوست و با و سخن می گویم چنانچه
گو یا حضرت و در جای که صورت جناب
مریم مختلف در آنجا پدید شد خدا تعالی
لطف بسیار میکند و کرامت عجیب فیض میجو
ان صورتها بفاعت خجسته مریم و انجمن
خوارق بجای دیگر سر نیزه همین طور است
صورت های حضرت عیسی صاحبنا و اولیای
خصوصا صورت صلیب مقدس
س و رای اینده عا که نماز ربانی و

سلام

۱۲۹
سلام ملائکتی میگویند دعای دیگر داره
که بخوانند باشه

ج بی بسیار است که از انجیل حمید و زبور
و دیگر صحیفه پیغمبران بر آورده اند و ادعیه دیگر
هم هست که اولیا اله تصنیف نموده اند و وقت
احوال ما و ضرورتی که پیش می آید

فصل دهم

در بیان هفت هزار مقدس متعارف در کلیسای مقدس
س گفتید در باب آنچه از خدا تعالی

استه عابدیه نمود اکنون بگویم بکه ام
وسیله خدایتعالی غنایت میکند بر بندگان خو
ج چیز باینکه برای ایشان در کار است
و منش، مغفرت عصیان و غنایت ایزدی
بر خط کاران میشود مخمشتها و مرک حضرت عیسی
صاحب است و انهمه سعادت و برکت که در بکایت
صعب برای ما عاصیان آمده فرموده
میرسد باینکه باین مفت سر
مقدس که مانند جویت از ان منبع

و

^{۱۳۱}
غنایت و مرحمت

س سر مقدس چه چیز است
ج نشانیست ظهیری که اختراع
نموده شده است از حضرت عیسی
صاحب ما از برای این که ظاهر
نمایه ما را

س چنان سر مقدس چیست
ج هفت
س که است

ج اول غل تعمیه^{۱۳۲}

دویم اثبات

سیم الحاق شدن

چهارم توبه

پنجم مالیدگی و پسین

ششم ترتیب کهنوت

هفتم نکاح

س ایما این هفت اسرار دارند

بر همگی عیسویان که بجای آرند

عاز اول

ج نه از اینجمله پنج لارنت^{۱۳۳} خاص و عمار

و در آن دو دیگر خستیار دارند

س ان پنج که ضرورت که است

ج غل تعمیه و اثبات و الحاق شدن

و توبه و مالیه کی و پسین

س و ان دو که اختیار دارند که است

ج ترتیب کهنوت و نکاح

س این هفت سر را یک یک شرح بیا

ج بسیار خوبت

س^{۱۳۲} لغتیه که نخستین غسل تعمید است

بگویند آن چه خیرات

ج^{۱۳۳} شست و شوی ظاهر بخت بنام

اب و ابن و روح القدس آمین

س^{۱۳۴} جهت این شست و شوی هر کونه

اب که باشد کافیت

ج^{۱۳۵} اری بشر طیکه اب هسل باشد

س^{۱۳۶} فیه غسل تعمید چه خیرات

ج^{۱۳۷} اشارت بعلیت که در آن بجان

سر

سرایت میکند یعنی شستن و پاک کردن این

از لوث هر کونه معاصی

س^{۱۳۸} این سه مقدر است که میتواند

بعل آورد

ج^{۱۳۹} آنکه اینکار مخصوص باو است کاهنت

اما بحکم ضرورت اگر کاهن نباشد تجویز شده است

که هر فردی از عیسویان خواه مذکر و خواه

مؤنث باشد میتواند که این شست و شوی را

به هر بشر طیکه مطلبش حکم حضرت عیسی

۱۳۶
باشد و قاعده نیت را بدانند و آنچه
لازمست بجهتن بگویند

س این سه مقصد را که میتوان
اخذ نماید

ج هر آن فی خواه مرد و خواه زن باشد
زیرا که برست نتواند رسیده اگر نخستین
فصل تمیید را گرفته باشد بخت صحیح

س طفلان که هنوز بیلاخت نرسیده
گرفتند آن برایشان لازمست

از آنجا

۱۳۷
ج از آنکه بی ان اصل برست
نموانند خرابی

س این سه مقصد را چه نوع
میتوانند گرفت چون هنوز بیلاخت
نرسیده اند و اگر ندانند از آنکه مرکب شده

ج چون باراده غیر یعنی ادم بعضی
والود کی که بان رسیده میشوند اشتهاده اند
هم بر اینمقال بغایت حضرت عیسی از امیر
مقدس تمتع میکنند طفلان برای

اینست که راضی میشود حضرت عیسی
که پدران یا مربیان طفلان اراده
که قتل این را داشته باشند

س سه مقدس دویم که است
ج اثبات

س اثبات چه چیز است

ج یک باشد بروغن مقدس که از آن
میرودن میگویند بنام عیسی مسیح داده میشود
س فایده اثبات چه چیز است

و

^{۱۳۹}
ج توفیق خاص بخشید برای مستقیم
بودن در دین انجیل محیه که گرفته باشند

س این سه مقدس را که میتوان بعمل آورد

ج اسقف و باذن کلیسای مقدس
کامن هم میتواند بعمل آورد

س این سه مقدس را که میتواند اخذ نماید

ج همگی عیسو بنیک غل تعمیه بجای آورده
ببلاغت رسیده باشند زیرا که در حد
بلوغ نمیتوانند در قرار دین خود دستی

نمانند لهذا در آنوقت باید که این
معه را بگیرند تا راسخ و مستحکم بشوند
و از این رهگذر است که بطفلان داده
نمی شود که ببلوغت نرسیده اند
س سرمه سیم که است
ج الحاق شدن که بزبان یونانی
اکواریتی میگویند و از روی بزرگی
اورا سراط هر دو پاک میخوانند
س چرا اینچنین میخوانند

برای

ج زیرا که آن فاضلتر است از همه اسرار
س چرا فاضلتر است
ج با نخبه است که در اسرار دیگر توفیق از آنها
داده میشود اما در این سه بزرگ نه همان
توفیق از او داده میشود بلکه بحقیقت همان
حضرت عیسی میباشد که در زیر ترکیب
نان و شراب است تا قوت روح ما باشد
س چه وقت حضرت عیسی در زیر
ترکیب ناست

ج در همان قسکه کاهن در میان قربان
مقدس میخواند بروی نان این سخن که
در انجیل مجید است این خون منت
س چه وقت حضرت عیسی در زیر
ترکیب شده است

ج در همان قسکه کاهن در میان قربان
مقدس میخواند بروی شراب این سخن که
که در انجیل مجید است این خون منت
س فیه الحاق شدن چه چیز

برگشت

ج نیست که باعث برپا داشتن و افزون
زنده کافی جان و محبت و خوشنودی خدا
س چه چیز باید کرد که این سر
پاک بشاید تسکین گرفته شود

ج چه چیز
س ان که است

ج اول عقیده درست داشتن باینکه در آن
خویشم گرفت حضرت عیسی صاحب خود را
دویم توبه کردن از گناه و کوشش

نمودن تاجان خود را پاک کنیم و ده

خوشنودی خدا باشیم

سیم اساک مطلق نمودن به معنی که از

نصفه شب تا هنگام گرفتن آن به چوبه

چیزی اکل و شرب ننموده باشیم

س کیستند آنها که باید این

سر طاهر را بگیرند

ج ک نیک درجیات پیشند غسل تعمیدینه

س در عرض سال چند دفعه گرفتن

اس

این سر برایشان لازمت

ج اقل مرتبه یکبار در هنگام فرقت

از روزه کلان

س سه مقدس چهارم که است

ج توبه

س توبه چه چیز است

ج بخشش صبرمیت که بعد از غسل

تعمید بظهور پیوسته باشد

س این سر مقدس را که میتوان عمل کرد

ج ان کا ہن ^ع شایستہ کہ پیشوا اورا
بعد از نمودن و پرسش کردن در ہر پش
برگزیدہ و آذش دادہ باشد در انوقت
ان کا ہن بعد از انکہ از جہایم عاصی اکای
یافت و حالتش بمقام دانش خود بخجہ
و حکم و دانش اعمال ذمیمہ اورا فرمود
ہمکی خطایای اورا محی امرزد بجزد بر زبان نکالت
مغفرت و امرنش جاری ساختن
محق بغایت پسندیدہ است کہ بر عاصی حکم

عدالت کیش باشد کہ کنہکاران بعصیان
خودشان اورا اکای خشنہ زیرا کہ محکم
بر خود برستی حکم تواند کرد و نیز نگوش
و ملامت و مواعظ و نشین طبیعیر اک شتر
مایل کناست بجانب صلاح و اجتناب
از معاصی میگردد و ملاحظہ فی افعال
ذمیمہ او میرا از ارتکاب ناشایستگیہا باز
میدارد لیکن سخت دشوار است کہ از پنهانی
کہ اظہار ان بحث خجالت میشود با همچو خودی

در میان زننه ولی از اینک در ضمنش فواید
کلیت پس ببت که پیش کی از دنیا
راستی کیش اتراف بر معاصی خود
نمایه چنانچه شخص مجروح بجراح جرت
خود را بنمایه هر چند بر سه نگاه ۱ و
باشد تخصیص که حضرت عیسی در این باب
علاجی گفت فرموده است باینکه
کاین پس از اطلاع بر اتراف عاصی
بت کیده ممنوعت که صغیره از صغیره او را

برداشته

نزد احدی بر زبان نرانه هر چند مخاطره
جان و بیم قتل در پیش آید
س این سه مقصد را که میتوانه از
ج املی عیونیکه بعد از غسل تعمید مرکب
کنه کیره شده باشند
س که ام وقت ضرورت که بیشتر
ج اقل مرتبه یکبار در سال یا هر روز
کلان و وقت نزع و در بسته ای کاری
که در آن مخاطره مرکب باشد زیرا که اگر مرکب

کبیرا در حالت پاکیزگی و درستی تحقیق
جانش بسلامت رود

س بر عیویان چند بار لانت که بخیرند

ج هر وقت که خواش داشته باشند

و گناه از ایشان سرزند زیرا که چون ثبوت

و خورده بمعاصی او را بغایت مفید است که

گاه گاهی در سال اینسر را گرفته باشد

س سر مفسدس خچم که است

ج مالیه کی واپسین

ویدکا

س مالیه کی واپسین چه خیر است

ج مالیه کیت بر بعضی از اعضای بدن

مریض بر وزن قبرک با کلمات چندی که از برای

اینسر وضع شده است و این مالیه کی

از برای نجات روح و به نیت

س از چه روغن این مالیه کی حاصل میگردد

ج از روغن زیتون که به قف او را تبرک نهد

س اینسر مفسدس که میتواند بعمل آورد

ج کاهن

س ۱۵۲ کچھ کس و کلام وقت داده

میشود این

ج بعیوی که غسل تعمید یافته و بلوغ رسیده
و در میان مرض صعب بوده و قریب الموت باشد

س اینمریض کچھ قسم پیاپی سلوک
کنند که حیاء و قابل دریافتن نیست کرد

ج بیه که ابتدا بشرافت توبه نمودن خود را
چنان از الودگی عصیان پاک و منزّه دارد
که لیاقت دریافتن اینمرقده است

س ۱۵۳ فایده اینمرقده متعس از برای

نجات روح چند چیز است

ج چهار چیز

س پیاپی فساد

ج اول آنکه اینم تقویت روح مریض

میکند که در وقت ارتعاش از اینک و سوسه

و از بایش و ظلم شیطان در مقابلت دارد

فریپ نخورد و بر او فایق آید و نیز موشمند

میشود که استیلاى مرض او را از بن بد ریزد

۱۵۴
و راضی بقضای خدا باشد

دویم آنکه موجب بخشیدن گناهان کبیره میگردد
که در وقت اعتراف توبه با وجود فکر نمودن
بجای طریش نگذاشته و اقرار کرده باشد
سیم آنکه باعث بخشیدن گناهان صغیره میگردد
چهارم آنکه سبب آمرزش بقیه گناهان میشود
و آن بنمیزی است که چون شخص مریض عامی
بعد از توبه از عصیان همیشه بصرفت اعمال
زشت خود می افتد دل تنگ گردیده حالت
خشم

۱۵۵
خشم بر او مستولی میشود و بجای می رسد
که منجر بنا امید از رحمت الهی میگردد و
و همین پس او را با نسیه ارد از افعال
و اعمال و اقوال حسنه دیگر لهنه این نسیه موجب
اطمینان خاطر او گردیده رفع این بقیه
گناه او را میکند
س فایده نسیه متعین از برای
نجات بدن چه چیز است
ج خلاصی از ناخوشی و حیات بدست

س س س ^{۱۵۶} ششم که است

ج ترقیب کهنوت

س س کهنوت چه چیز است

ج چیز است که قوت میبخشد برای دادن

سایر اسرار و بچرانیدن جهانهای مردم دنیا

س این سه مرتبه که میتواند بعمل آید

ج اسقف

س این سه مرتبه که میتواند اخذ نماید

ج انیسوی که خود را بختیار عبادت

خدا و برای سلامتی عیسویان تفویض نموده

و در وقوف کارهای دینی و دنیائی کاملست

س س س هفتم که است

ج نکاح

س نکاح چه چیز است

ج که خدائی و شرطیت که زن و مرد

در وقت تجویز با یکدیگر میبندند که تا دم واپسین

بحقیقت در وفا داری زیت مانینه

س این سه مرتبه که میتواند اخذ نماید

ج آنکه بیاد غت رسیده اند و قابل
تواله و متاسل شده اند و این برای زنان
اکثر اوقات در دوازده سالگی و برای
مردان در پانزده سالگی

س با چند زن که خدای جایز است
ج با یکی چنانچه یک زن یک شوهر بیش
نمی تواند گرفت بهمین منوال بگوید هم بغیر از
یک زن در عقد نکاح نتواند آورد

س این سه مرتبه سرا که می تواند عمل در

ان کاهن

ج ان کاهن که چوپان و خبر دار است
که که خدا می شوند و بعد از تشخیص اینکه
مانع که خدای چیزی نبوده باشد ایشانرا
ببخورد و اگر آن عقد می بیند دوازده شرط
که خدای یک بیک ان هر دو را اکاهی پنجه

فصل یازدهم

در بیان فضایل نیکوینها

س چیزی دیگر داخل دین عیویان
است که دانستی باشد

جاری بسیار چیزهاست که شایسته

فصیحت و همدار برای زیستن موافق رضا

ایزدی میباشد

س که همه

ج نیکوئیهاست که باید پیروی آن

بکنیم و عطا یای روح القدس و معاونی

و کارهای رحمت که در آن باید مشغول شویم

و چه هر یک از آن اجتهاد از نمانیم

و چهار چیز واپسین

نخت

س نخت بگویم بر کی نیکوئیها چنانست

ج بسیار مخصوصا هفت که از آن جمله نیکوئیها

فضایل الهی خوانده میشود و چه دیگر را

کردند و کی میگویند

س آنکه که فضایل الهی است که همه

ج ایمان و امید و محبت بخدا

س چرا اینها الهی خوانده میشوند

ج زیرا که بخصوص تعلق بر پروردگار دارند

س ایمان چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیت که بان بعثیه
درست یقین میباید انچه را خدا تعالی
الهام کرده است و از این بگذرد که او الهام
کرده است قبول میکنیم هر چند که سخت و مشکل
و پیرون از عادت و روش طبیعی باشد
س این عقیده درست بر چه چیز تکیه دارد
ج بر راستی قول خدا که چون میباید انیم
که خدا تعالی غلط نمیشود و گفت و بگفتی مغالطه
نمیدهد بنا بر این همینکه دریافتیم که خدا

حرا

^{۱۶۳}
چیز را گفتند لا رست بر ما که به انیم و انیت
هر چند که عقل ضعیف ما بکند ان رست
س از که معلوم میشود که خدا چیز را گفته است
ج از کلام مجید او که در کتابهای الیمیت
و بموجب شهادت دادن جانشین حضرت
عیسی که او را جناب پاپ میگویند و با و
مقر است که در این باب غلط نمویه زیرا که
حضرت عیسی در انجیل روش برای صلاح
امت خود با و اینچنین قول و قرار داده است

س امید چه چیز است ^{۱۶۴}

ج فضیلت یا قدریت که اراده را بر حق نگیرد

و همت میدهد که بموجب ارتکاب بر اعمال

نیک سعادت مندی بهشت را دریا بجم

س گمید این امید بر چه چیز است

ج بر همت پنهانیت خدا و درد و محنتها

و هر که حضرت عیسی صاحب ما

س همین بس است

ج نه زیرا که از جانب ما نیز در کار است

که

که اجتناب از معاصی کنیم ^{۱۶۵}

س محبت چه چیز است

ج فضیلت یا قدریت که بان دوست

میداریم خدا تعالی را بالاتر از همه چیز از برای

خودش و رفیقان خودمان را برای خدا

س گمید این محبت بر چه چیز است

ج بر این که آدمی را بوده خوشیهای کثیری

نکرد و از آنها زیاده برگیرد تا آنکه موجب بد

راه محبت خدا تعالی و رفیقانش نیاید

س انچه را که کرده کی بت کند
ج ادراک و عدالت و شجاعت و خند
س چرا انچه را پذیرا کرده کی میند
ج باین سبب که همه افعال اعمال حسنه
برز بر این چرخ پذیرا کردش دارنه مثل
انکه جمیع جزای خستیت که در درهت
بر بالای پاشنه ان میگرد
س ادراک چه چیز است
ج فضیلت یا قدریت که بان تمیز حسن

و قبح

^{۱۶۴}
و قبح اشیا را و میان روی در آنها داده میشود
س تکیه ادراک بر چه چیز است
ج برای که همیشه بخاطر او در زمان ضیاء
و با قانون در زمان حال بوده و هوشیاء
در مستقبل باشد
س عدالت چه چیز است
ج فضیلت یا قدریت که بان آدمی
مأمور میشود که در میان عباد الهیه ستمی
و راستی و دایمی حق و انصاف

بر کسیر ادا نماید

س تکیه ایغه الت بر چه چیز است

ج بر آنست که در همه چیز عادل باشد

و حق بر کسیر ادا نماید و احدی را تضرر

نبرد و نفسش عام گردد و در رضا و ممنون

بر داده خدا تعالی بوده و در نیکو نیتی

س بر مخلوق نبرد

س شجاعت چه چیز است

ج فضیلت یا قدرت است که بان مغلوب

نمایند هر چیز را که خلاف امور حسنه است

س تکیه انشجاعت بر چه چیز است

ج بر آنست که شکست بدهد از روابی

نفس خود را و وسوسه شیطان را و فریب

دنیا را و نیز در مقامیکه ضرورت اقمیه بخت

سجائیت و کبریا بی خدا تعالی حاضر باشد

از برای قتل شدن

س اعتدال چه چیز است

ج فضیلت یا قدرت است که بان ضعیفان

ارز و پای لهو و لعب نفسرا بینماید

س تکیه این اعتدال بر چه چیز است

ج بر نیت که در جمیع جهات تکیه از روی

ادمی این تعلقت مطابق حکم خدا رقتا نماید

فصل دوازدهم

در بیان عطیای روح القدس و سعادتیهها

س عطیای روح القدس چیست

ج هفت

س که است

مک

ج حکمت و دانشمندی و اسرار قدرت

و معرفت و ترس و خدا پرستی

س بچه کار می آیند یا نه

ج از هر چیزی زیاده و بیهوده را ترک می کنند

در کمال عبادت خدا

س پس هر یک را بیان فرمائید

ج چونکه میخواهیم بوجه حسن در خیر تقرر

آوریم تا که بریم بر این که از آخرین شروع

نموده تا باول ختم شود چنانچه کسی که بنای

بالا رفتن دارد اول ^{۱۶۲}بیاپین ترین مرتبه
که نزدیک برینیت قدم میگذارد

س خوب اینچنین بشه اکنون بگویند

که بچه کار می آید ان عطیه که ابریتیت

ج بایکد این عطیه تحریر می کند که حقا

کنیم بزرگواری خدا را پروان از اندازد

وصف و متعارف و برستی و درستی

پیروی کلامهای حمیده خداوندی را نمایم

س بچه کار می آید انعطیه که برست

ج بسیار دور می کند مجرم را از جرم

خود و منش شرم او میشود که بجای حذر از

کند از مناهی خداوندی

س بچه کار می آید انعطیه که معرفت

ج روشنی سید به فهم را با کماله مقبله

کند خیرهای دارین را بیکدیگر و بر

واضح میشود که دل بستی بر خرافات این

دنیا نه مروت و توجیه با موراخرت

بغایت ممدوح

س بچه کار می آید انعطیه که قدرت

ج قوت بی انتهای پخته آدمی که هیچ
خوفی تقصیر در عبادت ایزدی نکند

س بچه کار می آید انعطیه که سر است

ج باینکه فریب نخورد از وسوسه شیطان
که شیوه و عادت اینانیت که چون بزرگ
نیتوانند کراه ساخت سعی میکنند که بنویسند

باطل مردم را از راه ببرند

س بچه کار می آید انعطیه که در پست

بگویند

ج باینکه بجهت اسرار الهی معانیت

عقل پی برد

س بچه کار می آید انعطیه که حکمت

ج میثاسانه از هر چیزی پشتر و بالاتر

بدمی خدا تعالی را و آنچه باینکه متعلق است

س سعادت منتهی به چندی است

ج هفت

س بگویند اینها را

ج اول سعادت منتهی است اما که در روح

مسکینه زیرا که ملکوت اسمان از آن است

دویم سعادتمندانند حلیمان از آنکه وارث

زمین خواهند شد

سیم سعادتمندانند آنانکه خیرین هستند

بجست آنکه تسلی خواهند یافت

چهارم سعادتمندانند آنانکه گرسنه نشده

برای عدالتی که سیر خواهند کردید

پنجم سعادتمندانند ترحم کنندگان

که ترحم کرده خواهند شد

سعادتمندان

ششم سعادتمندانند پاک دلان که ایشان

خدا را خواهند دید

هفتم سعادتمندانند صاحب کنندگان از آنکه

فرزند آن خدا خوانده خواهند شد

س این سعادتمندیها را که اموقت

ج حضرت عیسی صاحب بدین مبارک بخش

س برای چه

ج بجست اموقتین ببا اینکارهای بزرگرا

و بعمل آوردن آنها را

س برای چه اینها خوانده میشوند

سعادتمندیها

ج بجهت آنکه هر کس که باینها پیروی

میکند در عالم سعادت منته خواهد شد

بلکه در این عالم نیست با سعادت منتهی

و اسودگی کلی بس خواهد برد

س این سعادت منتهی را بطریق

اختصار در بیان آریه

ج سه اولین دافع موانع عبادت

اروی

ازدی میباش^{۱۲۹} و چهار دیگر موجب پیروی

نمودن بافعال حسنه میکرد

س موانع که امنه

ج ازروی مال و ازروی جاه و ازروی

خوشی نفس

س سعادت منتهی اولی چه پنجه پنجه

ج اینکه از ازروی دنیوی دل برکنیم

چپ پنجه میفرمایند که سعادت منتهی آنکه در

روح مسکنند زیرا که ملکوت همان ازین

انهاست یعنی انا که از صمیم قلب مال و متاع
دنیوی را فانی و ناچیز میپندارند در ملکوت
آسمان خویشان از ایشانست و در این دنیا نیز
آنچنان بآرام بسر میزنند که گویا در آسمانند
س عبادتمندی دوم چه نتیجه بخشد
ج انا که دعوی و مناقشه بآیه چاکس
نداشته باشیم چنانچه میفرمایند عبادتمندی
صلیمان از انا که وارث زمین خواهند شد
یعنی انا که مقام نمیکشند و در پی مکافات
نمانند

نپاشند نسبت بآنا که بایشان ضرر میرساند
و غیریند بر آنا که مرتبه ایشان بسیار
بلندتر باشد بکلام خود آنچه دارند در تصرف
ایشان میماند با امنیت
س عبادتمندی سیم چه نتیجه بخشد
ج انا که در این دنیا از روی خوشیهای
نفس نهشته باشیم بلکه ریاضت بکشیم
و بر جرایم خود و عصیان دیگران کبر کنیم
چنانچه میفرمایند عبادتمندی انا که ضریح

۱۸۲
هستند بجهت آنکه تسلی خواهند یافت
یعنی آنکه بموجب خزن تسلی مییابند جهت
تسلین در این دنیا نیست که همان کرم
و خزن موجب فرج و نجات قلبشان
میکردد و در آن دنیا بپادشاه همین خزن
جلوس با فرشتگان میکنند
س نتیجی که آن سه سعادت مندی این
مفهوم گردید از برای فهمیدن تتمه دیگر که موجب
پیروی نمودن با افعال حسنه میگردند پس

۱۸۳
فرمانید که سعادت مندی چهارم چه نتیجه میبخشد
ج آنکه در کارهای حق و عدالت تمام از خود
مشغول بشیم چنانچه میفرمایند سعادت مندی آنست
آنکه کرسند و نشاندن برای عدالتند که سیر
خواهند کرد و یعنی آنکه در عدالتند در این
بالاتر از روی خود سیر خواهند شد
س سعادت مندی پنجم چه نتیجه میبخشد
ج آنکه در این دنیا هر کس که برفیقانش
در مقام رحم باشد عاقبت در آن دنیا

ترحم بر او خواهد شد چنانچه میفرمایند
که سعادت منتهی آنست ترحم کنندگان که
ترحم کرده خواهند شد یعنی آنانی که
در این دنیا برفیق خود رحم و معاونت
و عفو می نمایند و نعمت میدهد و عوض
هر یک از اینها بعینه در این دنیا
بوی میرسد باضعاف مضاعف و در آخر
جلال جاوید خواهد یافت

سعادت منتهی ششم چه نتیجه

الک

ج آنکه در همه کارها غایت حق و درست
داشتن بشیم و پاک دل بشیم که در عبادت
خدا خبر خوشنودی او چیزی دیگر مطلب
نباشد چنانچه میفرمایند سعادت منتهی آنست
پاکه لان که ایشان خدا را خواهند دید یعنی آنانی که
پاکه لند در این دنیا نظر باحق تعالی کامل خود
بچشم جهان خدا را می بینند و محضر از افعال
سپیده میشوند و در آخرت مشاهد و خدا
در ملکوت اسکان می نمایند

س عادت مند کی نفیست چه چنانچه
ج انکه زنه کافی خود را بنیکوینها ارسته
داریم و بار فیقان صلح بریم چنانچه
میفرمایند عادت مند نه صلح کنندگان از انجا
فرزند ان خدا خواهند شد یعنی انانکه در
مقام صلح باشند بغایت عزیز
وارجمند میگرد و در نزد خدا
س عادت مند کی پسین چه شمره دار
ج انکه کاره نشویم از جنه تا نیکه در بندگی

خدا

خدا روی میدهد بلکه بصبر و خوشی
متمم ان بشویم با میده انکه خدا ایتعالی
بپاداش زحمت کشیدن ما را در بهشت
جا خواهد داد چنانچه میفرمایند عادت مند
انانکه از برای عدالت زحمت میکنند
زیرا که ملکوت اسمان از ان انهد
یعنی انانکه بجهت ارتکاب در امور
محسنات زحمت میکشند و صبر میورند
ملکوت اسمان از ان انهد

فصل نهم

در بیان کارهای رحمت

س کارهای رحمت چند است

ج چهارده از آن جمله هفت جسمانی خوانده

میشود و هفت روحانی

س ان هفت که جسمانیست که است

ج اول کمر سینه کان را خوراندن

دویم تشنه کان را استماندن

سیم بر منکان را پوست نیدن

چهارم غبار اجای دادن

پنجم رنجوران را عیادت نمودن

ششم زنا نیان را دیدن و تسلی دادن

هفتم مردگان را دفن نمودن

س ان هفت که روحانیست که است

ج اول اموختن بنیادان دین علیه ویرا

دویم مصلحت نیکو دادن محتاجان را

سیم دل سالی نیک نمودن اندوهناکان را

چهارم نصیحت کردن عیسیان را

از جهت خلاص کردن از گناه
 پنجم بخشیدن ضرر زندهگان را به چوبه
 برویشان نیاوردن
 ششم تحمل نمودن از ادبیت رفیقان
 هفتم دعای نیک کردن درباره زندگان
 و مردگان متقیان دین عیسوی
 س ایا فرضت که پیوسته کارهای
 رحمت مذکور را بوجد آرد
 ج همواره نه اما گاه گاهی

کدام

س که ام وقت بجا آوردن فرضت
 ج وقتیکه کسی بغایت محتاج بود
 و سیر انداخته باشد که معالجه
 کار او را نماید و خودش هم نتواند
 که کارش را صورت بخشد بطی
 آنکه پیم نقصان عظیم نباشد لازمت
 که خیرات بکند و چاره کار او را نماید
 و اگر برای موجب عمل نیارد گناه کبیره
 بنزد خدا کرده باشد

س بعدم انشراط لازم نیست که بکنند
ج زاما اگر بکنند خیر و نیکی عظیمت و لغات
س چرا میگویند خیر غنیم
ج زیرا که در انجیل حمیه خدا تعالی
بسیار اوصاف رحمت را کرده است
بحمدیکه حضرت عیسی صاحب مافرمود است
برستیکه شما میگویم که هر چه باکی از
کوچکترین این برادران من بعمل آورده
انرا بمن گردید و خیرات چیریت که

و بهی

۱۹۳
خدا تعالی بسیار بدان نازیده است
و کاریست که عمل آورنده خود را طلبند
و محبوب امکان میگرداند
س چرا میگویند که بغایت سودمند است
ج باین سبب که پیشتر از آن چیزی که
در راه خدا بکسی بدل نموده است عاید او
میشود زیرا که خیرات گردیده چند پولست
اما بصاحب خیرات صد چندان نتیجه
و بهره پنخشد چنانچه حضرت عیسی

فهرموده است ^{۱۹۵}

س این قول چه طور تحقیق میشود چو
اینچنین باشد نه میشود که یک یک روپیه
به هر صد روپیه بنیاید

ج معنی این کلمه را باین وضع ظاهری بنیاید
فهمید هر چند که اغلب اوقات
بوقوع می آید که خدا تعالی در مال
مستاع اهل خیر با انواع مختلف برکت و افزایش
میدهد و هرگز دیده نمیشود که سخاوتمندگیش

از

از محمد بنزل و ^{۱۹۵} این فقیر و مفلس کرد
بلکه روز بروز توانگریش زیاد تر و صاحب
ثروت بیشتر میگردد در این دنیا

س پس بچه معنی درست می آید که
بنزل کنند صد چندان زیاد و عیب
از آنچه ایشان فقر میکنند

ج باین معنی است که خدا تعالی برای اهل خیر
جهت خیرات کردن هر سه بان میشود
وصحت و استقامت مزاج ارزانی

میفرماید و از جمله و خطرات عظیم در پناه
سیکیر و دوحیات او را با سانی نظام
میه بد و بعه ادمی افراید و صدها وی دیگر
با وعظ میفرماید از همان چیز که بدل فقر
کرده است بنا بر اینست که گفته ام خیرات
کردن بغایت سودمند است و باین جهت
که میباید ادمی بجهت بهبود و امید سود خود
در خیرات بغایت طالب باشد
س بعضی از فواید خیرات را بطریق

۱۹۱
ایجاز و اختصار بیان فرماید
ج اگر چه قبل از این بعضی از فواید آنرا
ذکر داشته ایم اما اکنون هم بعضی فواید
دیگرش را اظهار میسازیم خیرات کردن
را بلی پخته از وسوسه شیاطین و از آیه
باعث عصیان میشود از خدا توفیق
میرسد که از آن محروم باشیم تا آنکه در جهنم
نیفتیم و کفاره است برای گناهانیکه مرتکب
ان شده ایم تا آنکه از سخت و صعوبت

۱۹۸
ان نجات یاسم و حمد است بر اینکه هر چه
از خدا تعالی است غنایم یاسم چه که خدا تعالی
فرموده است که هر که حجت میکند رحمت خواهد
س در که ام وقت باید لعل آورد
ج در یکی اوقات چرا که همواره
محتاج مراحم ایزدی هستیم
س خوب اما تخصیص در که ام وقت
ج در ایام روزه کلام که وقت ریاضت
کشیدن و کفارت دادن از جرایم

وهد

۱۹۹
و هسته نمودن رحمت از خدا تعالی است
و در وقتی که کسی گرسنه نواج داشته باشد
یا ضرورتی عظیم او را در پیش این تخصیص در حالت
نزع باشد تا آنکه باعث گردد که جانش
بسلامت متوجه عالم بقا گردد و اگر در زندگانی
نود رحمت بفقرا نیاید و روزه باشد چون
در حالت نزع بود وصیت نماید که از مال
و متاع او جهت کفارت عیاشی بر فقیران
تقسیم نمایند که بغایت سودمند است

و نتیجه بخش که سخن مختصری وصیت نامه
در حجت کلی بیاید

س اینفواید از کجا معلوم می شود
ج از این که خدا تعالی در کتب معصومین
خود که تورات و زبور و انجیل و غیره باشد
در فواید و رعایت رحم فرمان داده است
س مستحق خیرات کیت

ج هر فردی که محتاج باشد و هر مذنب
و گنجه ای که داشته باشد اما رعایت هم در
خود

خود را بیشتر باید کرد خصوصاً ببردن یک چو
و اقربا باشند و در اینجا خیرات اولی است
بطایفه که بصلاح و تقوی از دیگران مستثنی
باشند زیرا که در ضروریات و حجب خود
مصرف می دارند هر چند خیرات بالعموم
نتیجه خوب میدهد اما اگر ببردن یک نفس
خیرات نموده شود و دعا از صدق نیت
و صفای طوحت کنند مقرون با جاتا
میکرد و مشتمل بر فواید بسیار است

فصل چهارم

در بیان گناه های کبیره و معالجه آنها
س خیرات و نیکوییهای عظیم را
که باید پیروی کنیم سپان فرموده اکنون
بفرماید از گناه های کبیره که از ارتکاب آن
اتر از وجوب تناب نمایم و سخت بگوشید
که گناه چه چیز است

ج گناه نیست مگر آنکه بخلاف امرایزدی
و باختیار خود مرتکب فعلی شدن یا ترک

کردن

نمودن کار را که مأموریم بدان از خدا تعالی
س چه گفتید مرتکب شدن یا ترک نمودن
ج بجهت که بعضی از جریمت که مرتکب
شدن آنها خلاف امریزدانت مثل
قتل و دزدی و بعضی دیگر از جریمت که ترک
نمودن آنها خلاف امریزدانت مثل
نگرفتن روزه و ترک صلوة و غیره
س چه گفتید باختیار
ج زیرا که اگر آن کسی امری خلاف بی اختیار

سرزنه داخل کنه ^{۲۰۳} نیت مثل کاری که در
خواب کنه یا در حالت دیوانگی و پنجری بشه
و یا آنچه از دیوانگان و بچکان سرزنه
س چرا میگویند بخلاف امر از روی
ج زیرا که منظور ما از هر عمل حسنه رضای
ایزدیت چنانچه کاتب در وقت کتابت اگر
انه که از مسطر تجاوز کنه کج نویسه بهمین دست
هرگاه بخلاف امر از روی از مکاری سرزنه
خواه از خود و خواه بوسیله دیگری بشه داخل کتابت

کنه

س کنه ^{۲۰۴} بهی عظیم است
ج اری عظیم است و عظیمه از همگی است
است که انرا از خوشنودی خد محروم
و مالوس میازد و شایسته عذاب ابدی
در جهنم میگردد نه بنابر ان اخراجیم دیگر شتر باید
اقرار کنه انرا با هر گونه تفصیلی که از او پیداشده است
س یا هر صبریمه مجرمه شایسته عذاب
دو زخ میگرداند
ج نه زیرا که بعضی صبریمه صغیره است و بعضی

کپره و کپره باعث نارضایتی خداست و مستحق
ابدی میگرداند و صغیره القدر ضرر نقصان ندارد

س جریمه کپره چه چیز است

ج چیز است شنیع که عظیم ثقیلت و نفع
میشود عاملش را از حصول برکات الهی و وصول
بملکوت آسمانی و در آتش دوزخ مستغرق و میراند

س جریمه صغیره چه چیز است

ج چیز است شنیع که حقیر و خفیف است و عاملش را
مستحق دوزخ نمیدارد

جریمه

س جریمه کپره که منبج معصی
و سه دگر کنایه آن پیش چندی است

ج هفت

س که هفت

ج اول تکبر

دویم حسد

سیم غضب

چهارم کمالی

پنجم طمع

شم عبد البطلی

هفتم شهوت

س تجر چه خیریت

ج خود را بزرگ گرفتن نسبت دیگران

س معاصی که از تجربه حاصل شود که

ج لاف زدن در خود و تحقیر داشتن

دیگران و نافرمانی و غیره

س علاج دفع تجر چه خیریت

ج تواضع و فروتنی که بوسیله آن بشنود

خوبی

خود پی میبرد و معلوم میکند که هیچ خوبی

در وی از خودش نیست مگر آنکه از عطایای

ایزدیت و خود را بر یکس تقوی و فضل و جود

س چه خیریت

ج اندوه و خزن داشتن بر نظام مهر

دیگران از این بگذرد که ظن میبرد باینکه بزرگی غیر

موجب قصور و نقصانست در بزرگی خودش

س معاصی که از حد حاصل میشود که

ج پشیمانی با مردم و خوشنودی بر دیگران

و منعمومی بر خوشی نشان و غیره

س علاج دفع حسد چه چیز است

ج حب خلائق و فکر نمودن بر اینکه

هر خوبی و شایستگی که ایثار است خدا رحمت

فرموده و بنایت ترک ادبست منعموم

بودن مخلوق از عملی که از خلائق سر میریزد

س غضب چه چیز است

ج از روی بی اندازه است در مقام کسی

س معاصی که از غضب حاصل میشود که

ما علی

ج با خلق خدا مبارزه و کینه نمودن

و تحقیر ان امانت امین و کفر گفتن و تیر

و قهر داشتن و غیره

س علاج دفع غضب چه چیز است

ج صبر نمودن و فکر کردن بر اینکه بموجب

جبرایی که دارم هرگز نشاید و مکرو با تیکه

بمن میرسد مستحق میباشم و در نظر داشتن

اینکه حضرت عیسی و حواریان و اولیای

انصهارت نسبت بمی که ایثار را از او آید

بیرسانید رحمت و مهربانی بجای می آورده
و یاد آوردن از اینکه خدا تعالی تقصیرات
عظیم نکس را که صبر بر آزار و آیدای
مردم بنمایه عفو میفرماید
س کمالی چه خیرات
ج استلا وستی در پریش
ایزدی و نیکو کاریها
س معاصیکه از کمالی حاصل میشود که
ج تقصیر نمودن اکثر اوقات در امور

لازم و ملالت پیوسته داشتند و از دست
دادن معالجه زنه گانی روحانی و جسمانی غیره
س علاج دفع کمالی چه خیرات
ج فکر نمودن بر چستی و چالاکی ملائکه
و نبیای که چگونه در موافقت خدمت
باری تعالی سعی میباشند و تکرار در خواندن
کتابهای مجید و معاشرت با مقربین
و دایم متذکر باشد بر اینکه خداوند
فرمایش فرموده که هر کس خلاف فرمایش

کند مستحق ملکوت ^{۲۱۵} آسمان است

س طمع چه چیز است

ج ارزوی بی اندازه است بکام
و حطام دنیوی

س معاصیکه از طمع حاصل میشود که

ج بسیار از آنجمله سرقت و دغابازی

در بیع و شری و سخت دلی نسبت بفقرا و دروغ

کفتن و دروغ قسم خوردن و غیره

س علاج دفع طمع چه چیز است

کاه

ج سخاوت و بذل ^{۲۱۵} بفقیرت و دایم تمکیر

و متفکر باشد بر خزانة ملکوت آسمان و دل

از خزانة زمین بر کند زیرا که دشمن جان

مپاشد و در ضروریات خود متوکل

و متوسل بامیه خداوندی باشد

س عجب البطنی چه چیز است

ج ارزوی بی اندازه بخوردن و آشامیدن

س معاصیکه از عجب البطنی حاصل میشود که

ج شهوت و انکار صوم و کلات

و کرانی در عبادت ایزدی و نیز انواع

امراض مهلك در بندش عارض میشود و غیره

س علاج دفع عجبه البطنی چه چیز است

ج پرمیز و قناعت در خوردن و آشامیدن

نموده یقین داشته باشد که آدمی از خوردن

و آشامیدن زنده نیست بلکه حیات

او از فرمان الهیت

س شهوت چه چیز است

ج اندر وی بی اندازه است بخوشیهای نفسانی

مستند

س معصی که از شهوت حاصل میشود که

ج الودگی بزنات و چیزیکه افعج است

و سخای که دال بر ارتکاب اینگونه شایع باشد

و اضطراب جان و افعال و غیره

س علاج دفع شهوت چه چیز است

ج فضیلتی است که از پاک دامنی میگویند

و احترام نمودن از چیزهایی که باعث عصبیت

و بر نفس خود شک گرفتن و اولیتر از همه

تضرع نمودن بجد او شقیع آوردن خجاییم

فصل پانزدهم

در بیان چهار چیز و این

س از پنج و بنیاد جرایم و سیات
با معاینه که بواسطه آنها حاصل می شود
با علاج هر یک از آنها پان فرمودید
الکون بفرمایید که معالجه دارید که ادمی
بکلی از جسیع کفایان محترز باشد
و با اعمال حسنه متوجه گردد

جاری دان فکر کردن بر چهار چیز و اینست

کنند

س که آمد

ج اول مرک

دویم قیامت

سیم دوزخ

چهارم بهشت

س در باب مرک بچه نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب احترام از جرایم گردد

ج بچهار چیز

اول فکر کردن بر آنکه مرک حق تعالیست و چنانکه

از چنگ اور بانی محکم نیست

دوم زمان و مکان و اسباب حصول
ان شخص نیست زیرا که بنا بر دمان بود
که عمر شان سپری شده در مکانی و آنی و طریقی
که اصلا در خاطر ایشان با نظور باغبور نمیکرد
سیم برهین که در حالت مرگ مال امانی دنیا
هر کسی طی میشود و نیز بر اینها مشخص میشود که
ارزوهای قبیحه که در دنیا داشته اند
تماما بغایت لغو و مستنکر بوده است

مرگ

چهارم برهین که در حالت مرگ که از ارتکاب

هر گونه بیهوشی و ترک قیام نیکی اوجی پشیمان میشود
و چهره پذیر نیست پس کمال حق پیش
که اکنون که دست رسی دارد از هر قسم سیاه
اجتناب نماید و هر گونه حسنهات میل نکند

س در باب قیامت بچه نوع باید

فکر داشته باشد تا موجب خوار از خیر ایم کرد

ج بچهار چیز

اول فکر کردن برهین که در قیامت عدالت

خواهد کرد عادلترین عادلان بر حسنات

وسایات مردمان

دویم بر اینکه هیچ چیز از آن چیزها سیکه

مستور است در نزد آن مخفی نخواهد بود

سیم بر اینکه عدالت و انصاف بجنور

جمهور خلائی خواهد شد تا ممکنان از ارتکاب

افعال حسنه و ذمیه خود آگاه و وقف گردند

و این امر است که باعث طاعت به کردار است

و موجب توقیر و تعظیم نیکوکاران و دران

و

وقت اهلا گزینی از برای احدی متصور نیست

چهارم بر اینکه احدی را یاری آن نیست

که خود را از او دارد از زجر و محنت و تباد

نمایه از فرمان انصاف و عدالت الهی

س در باب دوزخ بجه نوع باید فکر

داشت تا باشد موجب اجتناب از جرایم گردد

ج فکر کردن بر اینکه دوزخ مکانیت

که در او حبس شیاطین و مجرمان شقاوت

این است و در اینجا به الایاد بر آنها حاصل

۲۴۰
میشود هرگونه عذابی و عقوبتی که زیادتر از آنکه
بتصور بتوان آورد و مطلق امید نجات و سپری
شدن عذاب و فرصت یافتن باران مس و برین
عذاب از برای گرفتاران عقوبت در اینجا هیچ اثری
که آفتاب نکرده اند از معصیتی که در دنیا با سانی آنها
سر زده است و با سانی حتر از آن نمیتوانسته اند
س در باب بهشت بیچ نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب حتر از اجر ایم گردد
ج فکر کردن بر اینکه بهشت مکانیت

که در

۲۴۰
که در اور فاهیت سعادت منته است و در اینجا
احداث میشود هرگونه خویها و شایستگیها
که بیشتر از آنکه است بتصور تواند آورد و هرگز
قصورى از برای آن نیست و در اینجا مقیدین خود
و سرور جاوید ابر خواهند برد و مستغنی
از کرم کریم و لطف عظیم خداوند علیم حجابشان
پیشیم که از برای مطالعه کنندگان و بعمل آورندگان
مطالب مندرجه در این نسخه شریف بهشت مذکور
میسر و نصیب گردد **این** کتاب بعنوان

علاوه شده

در بیان اعمال عتقاد و امید و محبت و ایمانی و توبه

در بیان عمل عتقاد

ای خدای من ایمان محکم می آورم بهر چیزیکه
کلیسای مقدس کاتلیکی و رسولی مرامین فرستاده
که با اعتقاد و پا ورم زیرا که خود تو ای حق
لاریب فیه اینرا وحی کرده

در بیان عمل امید

ای خدای من امید دارم با اعتقاد محکم
که بتو اربابای حضرت عیسی که غنایت خود را
در این دنیا بمن کرامت فرمائی و در آخرت
زندگانی جاوید

در بیان عمل محبت

ای خدای من تو را دوست میدارم
از همه دل بیشتر از هر چیز و نیز رفیقان
خود را دوست میدارم بمثل خود

زیرا که تو چنین ^{۲۲۹} فیه موده

در بیان عمل پشیمانی

ای خدای من بسیار پشیمانم که تو را
رنجانیدم زیرا که بی نهایت خوبی و بی انتها
مقبولی و نزد تو گناهان من مکره است
من بخشش بخواه برای حضرت عیسی نبی دارم
بواسطه غفایت تو بعد از این تو را هیچ
رنجانم و صالح شوم و بزودی اعتراف
و توبه بنمایم

در بیان عمل توبه ^{۲۲۹}

اعتراف میکنم پیش خدای قادر بر همه چیز و جناب
مریم عادت منم همیشه بگو قدیس میکائیل فرشته
و قدیس یحیی معتمدی و قدیس رسل پس
و پولوس و همه اولیا خدا زیرا که زیاده گناه
کرده ام فکر و لفظ و عملا از این سبب است
که میطلبم از جناب مریم عادت منم همیشه بگو قدیس
میکائیل فرشته و قدیس یحیی معتمدی
و رسل پس و پولوس که از برای من

پیش خدا است ^{۲۳۰} کننده که با رحمت
کنده خدای قادر بر همه چیز و کنایان را بخشاید
و ما را بر نه کافی جاوید ببرد ایمین
پیامرزد و عفو نماید و بجهت کتایان ما را
خدای قادر بر همه چیز و رحیم است
تمام شد این رساله شریفه و شهاب
کردید از تحقیق عملیات دین عیون غنی عمت
کاتلیک بتالیف و تفسیر جناب شاخ الالقاب
فضایل و فواصل باب عمده العلماء المسیحیه و قدوة

لله

الفضل العیوی کیش شپانوس کاتلیک
ابن اراطون ابن کیش یوحنا ساکن جولای
دار السلطنة صفهان صاندا الله تعالی
عن ^{۲۳۱} شین بجهت طفل کاتلیک که در مدرسه
معظم الیه تحصیل علم مشغولند که پس از خواندن
و حمارت نمودن و بجای آوردن در مرتب
ضروریات دین خود را نسخ کردند و بدین واسطه
با وجود غنایت الهی حیات جاودانی آفرینند
تا نسخ فرخت از تحریر مطبق سنه ^{۱۸۴۴} سال ۱۲۶۴ بود



1819
1846
78
This book belongs to

Karootium N. J.

This Book belongs to

Karootium N. J.

Johannesintz

he had buy this
from a persian man

۲۵

۴۴۷۹

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب رساله سوال و جواب در بیان معنی
مؤلف استاد میرزا ابوالحسن اصفهانی
موضوع تاریخ
۴۰۸۱
۹۲۸۱
شماره ثبت کتاب
۵۶۶۵

۱۲۸۲

نقلی - فهرست شده -
۴۰۶۱

1914
2546
78

This book belongs to

Karootian N. J.

This Book belongs to

Karootian N. J.

Johannesintz

he had buy this
from a Persian man

۷۹ ۴۴

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب رساله سوال و جواب در بیان مذهب
مؤلف استاد فاضل بنی برادر الطاهر الکاشانی
موضوع تاریخ
۴۰۸۱

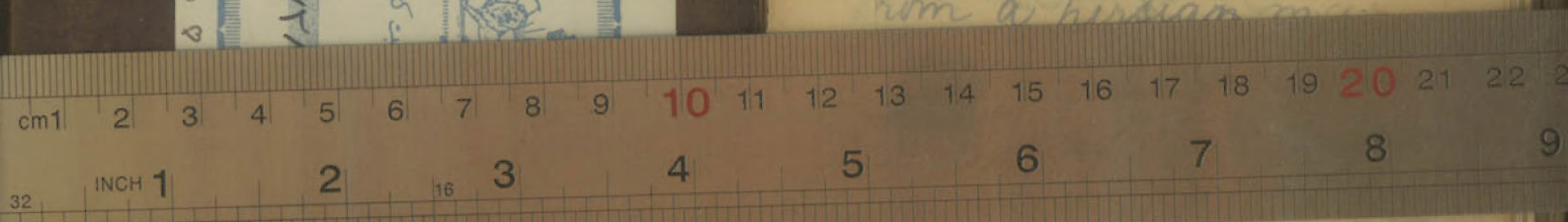
کتابخانه
۱۲۸۲

۵

۹۲۱

کتاب

۵



۴۰۶۱

۵۲

This book
belongs to
John
be had
from a
this
man



۵۱

۷۹۴۴

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب رساله سوال و جواب در بیان دین و غیره

مؤلف استاد فاضل ابن ابی اسحاق اصفهانی

موضوع تاریخ

شماره ثبت کتاب ۹۳۸۱

تاریخ ثبت ۱۳۰۳

تاریخ ثبت ۱۳۰۳

ب- ۵۶۶۵

خطی - فهرست شده
 ۴۰۶۱